



سلسلہ مباحث مہذوبت

غیبتِ صفری



علی اصغر راسدانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

غیبت صغری

نویسنده:

علی اصغر رضوانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	غیبت صغری
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۴	مقدمه ناشر
۱۶	مبدأ غیبت صغری
۱۶	حکمت غیبت صغری
۱۷	امتیاز عصر غیبت صغری
۱۸	زمینه سازی خداوند برای امامت حضرت
۱۸	زمینه سازی معصومین برای غیبت
۱۸	اشاره
۱۸	(۱) رسول اکرم صلی الله علیه وآله
۱۹	(۲) امام علی علیه السلام
۲۰	(۳) امام حسن علیه السلام
۲۱	(۴) امام حسین علیه السلام
۲۲	(۵) امام سجاد علیه السلام
۲۳	(۶) امام باقر علیه السلام
۲۳	(۷) امام صادق علیه السلام
۲۴	(۸) امام کاظم علیه السلام
۲۵	(۹) امام رضا علیه السلام
۲۶	(۱۰) امام جواد علیه السلام
۲۷	(۱۱) امام هادی علیه السلام
۲۷	(۱۲) امام عسکری علیه السلام
۲۷	اشاره

۲۷	۱ - تعلیمات و بیانات
۲۸	۲ - کم کردن ارتباطات خود با شیعیان
۲۸	۳ - اتخاذ نظام وکالت
۲۹	۴ - قربانی کردن برای فرزندش
۲۹	۵ - ارائه دادن فرزند خود به خواص از شیعیان
۳۰	(۱۳) امام مهدی علیه السلام
۳۱	اختفای از دشمنان
۳۴	سفیران ناحیه مقدسه
۳۴	اشاره
۳۶	چهار نایب از ناحیه مقدسه
۳۶	سفیر اول امام مهدی علیه السلام
۳۸	مدرک سفارت سفیر اول
۳۹	دفاع از عثمان بن سعید
۴۰	سفیر دوم امام زمان علیه السلام
۴۲	سفیر سوم امام زمان علیه السلام
۴۳	سفیر چهارم امام زمان علیه السلام
۴۵	اثبات نیابت چهار سفیر حضرت علیه السلام
۴۶	نحوه ارتباط نواب اربعه با شیعیان
۴۶	توضیح
۴۶	۱ - ارتباط با واسطه و غیر مستقیم
۴۶	۲ - ارتباط مستقیم و بی واسطه
۴۷	وظایف و مسئولیت های نواب اربعه
۴۷	اشاره
۴۷	۱ - زدودن شک و حیرت مردم درباره وجود امام مهدی علیه السلام
۴۷	۲ - حفظ امام مهدی علیه السلام از راه پنهان داشتن نام و مکان آن حضرت
۴۷	۳ - سازماندهی و سرپرستی سازمان وکالت

۴۷	۴ - پاسخ گویی به پرسش های فقهی و مشکلات عقیدتی
۴۸	۵ - اخذ و توزیع اموال متعلق به امام مهدی علیه السلام
۴۸	۶ - مبارزه با غلات و مدعیان دروغین نیابت و بابت
۴۸	۷ - مبارزه با وکلای خائن
۴۸	۸ - آماده سازی مردم برای پذیرش غیبت کبری
۴۹	ملاک معیار انتصاب نواب اربعه
۴۹	توضیح
۴۹	۱ - تقیه و رازداری در حدّ بالا
۴۹	۲ - صبر و استقامت بسیار عالی و ممتاز
۵۰	۳ - نسبت به دیگران فهمیده تر بودن
۵۰	۴ - حساس نبودن حکومت نسبت به آنان
۵۰	عوامل ادعای دروغین سفارت
۵۱	مدعیان دروغین سفارت
۵۲	وکالت ناحیه مقدسه
۵۳	وظایف سازمان وکالت
۵۴	توقیعات ناحیه مقدسه
۵۴	اشاره
۵۵	اشاره
۵۵	نقش سفیر در توقیعات
۵۶	مدت زمان صدور توقیع
۵۷	خطّ حضرت مهدی علیه السلام در توقیعات
۵۸	فهرست برخی توقیعات
۶۵	نمونه هایی از توقیعات ناحیه مقدسه
۸۲	سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت
۸۴	درباره مرکز

سرشناسه: رضوانی علی اصغر، ۱۳۴۱

عنوان و نام پدیدآور: غیبت صغری تألیف علی اصغر رضوانی

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری: ۷۱ ص.

فروست: سلسله مباحث مهدویت.

شابک: ۳۰۰۰ ریال ۹۶۴-۹۷۳-۰۱۶-۷؛ ۵۰۰۰ ریال چاپ سوم ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۰۱۶-۵؛ ۶۵۰۰ ریال (چاپ چهارم)

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: چاپ سوم: پاییز ۱۳۸۶.

یادداشت: چاپ چهارم: تابستان ۱۳۸۷.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- غیبت صغری

شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره: ۴/۲۲۴/۴BP/۹۵۵غ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۵-۱۸۳۰۵

ص: ۱

در عصر کنونی که دشمنان بشریت، افکار و عقاید انحرافی را در جامعه جهانی ترویج می کنند و منجی موعود واقعی را برای حیات و قدرت پوشالی و کاخ عنکبوتی خود خطرناک می دانند، درصدد ایجاد انحراف فرهنگی برآمده اند و با پوچ گرایی، جامعه بشری و اخلاق و رفتار نیکو را مورد تعرض قرار داده اند، برآن شدیم تا حقیقت مهدویت را با سلسله مباحث مختصر منجی موعود برای مشتاقان علم و فضیلت عرضه نماییم.

امید است مورد توجه حضرت حقّ جلّ و علا قرار گیرد.

مدیر مسؤول انتشارات مسجد مقدّس جمکران حسین احمدی

مبدأ غیبت صغری

در رابطه با مبدأ غیبت صغری دو نظریه وجود دارد:

نظریه اول این که: غیبت صغری از زمان ولادت حضرت مهدی علیه السلام بوده؛ زیرا ولادت حضرت در اختفا و پنهانی بوده است. ولی این نظریه مورد مناقشه واقع شده؛ زیرا بحث در غیبت امام است و در آن هنگام حضرت به مقام امامت نرسیده بود. خصوصاً آن که جماعت زیادی از شیعیان، حضرت را در آن پنج سال قبل از شهادت حضرت عسکری علیه السلام مشاهده کرده اند.

نظریه دوم این که: غیبت حضرت از زمان شهادت پدرش امام عسکری علیه السلام بوده است. و به طور دقیق می توان گفت که بعد از نماز خواندن بر جنازه پدرش، در آن قضیه ای که ابوالادیان بصری نقل می کند. (۱)

حکمت غیبت صغری

غیبت صغری نشانگر اولین مرحله از امامت حضرت مهدی علیه السلام است، که خداوند متعال تقدیر نمود تا در مدتی نه چندان دور از عموم مردم مخفی بماند و امور شیعه را توسط سفرا انجام دهد.

اما این که چرا غیبت صغری قبل از غیبت کبری قرار گرفت ممکن است که

ص: ۹

جهت آن این باشد که عادت شیعیان در طول عمر امامت بر این بوده که هر زمان اراده می کردند خدمت امام خود رسیده و از محضر او استفاده می بردند، و با غیبت کلی و تام و تمام هرگز انس نداشتند. لذا برای جا افتادن این موضوع ابتدا غیبت صغری تحقق پیدا کرد که در آن تا اندازه ای ارتباط قطع شد. و مردم اگرچه در ابتدا به شک و تردید و تشویش خاطر افتادند ولی بعد از مدتی نه چندان دور شک و تردیدها زایل شده و با مشاهده دلایل قطعی، به وجود حضرت مهدی علیه السلام یقین پیدا کردند. و بعد از مدتی نه چندان طولانی غیبت کبری شروع شد.

امتیاز عصر غیبت صغری

بنابر قولی شروع غیبت صغری از زمان شهادت امام عسکری علیه السلام بوده است، که از همان زمان امام علیه السلام متولی امر امامت می شوند. حضرت خلافت خود را با نصب و کیل اولش هنگام مقابله با جماعت قمّین آغاز نمودند. عصر غیبت صغری از امتیازات ویژه ای برخوردار است که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ - در این عصر امام مهدی علیه السلام متصدی امامت و خلافت شد.

۲ - در این عصر امام علیه السلام استتار کامل نداشتند، بلکه به جهت مصالح کلی با برخی از خواص یارانش ملاقات برقرار می کردند.

۳ - در این عصر چهار سفیر وجود داشت که از طرف حضرت به طور خصوص مأمور به رسیدگی امور مردم بوده و رابط بین آنان و حضرت به شمار می آمدند.

زمینه سازی خداوند برای امامت حضرت

از جمله موضوعاتی که قبل از ولادت امام مهدی علیه السلام اتفاق افتاد که آن را می توان زمینه ساز امامت حضرت مهدی علیه السلام در کودکی دانست، ولادت امام جواد و امام هادی علیهما السلام است؛ زیرا امام جواد در هشت سالگی یا هفت سالگی، و امام هادی در سنّ شش سالگی به امامت رسیدند. و لذا بعد از آن که شیعه به امامت این دو امام اعتقاد پیدا نمود، این مسأله زمینه ساز اعتقاد به امامت حضرت مهدی علیه السلام و رفع استبعاد از امامت او در سنین پنج سالگی شد.

زمینه سازی معصومین برای غیبت

اشاره

موضوع غیبت امام تجربه جدیدی برای امت بود، تجربه ای که به این مقدار از غیبت هرگز هیچ امتی به چشم خود ندیده بود، لذا امت و جامعه شیعی احتیاج مبرم به زمینه سازی برای ورود به آن داشت. به همین جهت اهل بیت علیهم السلام و حتی رسول خدا صلی الله علیه و آله همگی به طور مکرر به موضوع غیبت امام دوازدهم اشاره صریح داشته اند. همان گونه که غیبت صغری قبل از شروع غیبت کبری نیز به جهت زمینه سازی و ایجاد انس در بین مردم برای ورود به غیبت کبری بوده است.

(۱) رسول اکرم صلی الله علیه و آله

در بسیاری از روایات از رسول اکرم صلی الله علیه و آله به این موضوع اشاره شده است؛ ابن عباس در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: «...وجعل من صلب الحسين أئمة یقومون بأمری ویحفظون وصیّتی التاسع منهم قائم أهل

بیتی و مهدیّ اُمّتی أشبه الناس بی فی شمائله و أقواله و أفعاله. يظهر بعد غيبه طويله و حيره مضلّه فيعلن أمر الله و يظهر دين الله جلّ و عزّ...» (۱) «... و از صلب حسين اماماني قرار داد که به امر من قيام کرده و وصيت مرا حفظ خواهند نمود، نهمين از آن ها قائم اهل بيت من و مهدی امت من است. او شبیه ترين مردم به من در شمایل و اقوال و افعال است. بعد از غیبتی طولانی و حیرتی گمراه کننده ظهور خواهد کرد، آن گاه امر خدا را اعلان کرده و دين او را ظاهر خواهد نمود...».

امام علی علیه السلام نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «ثم یغیب عنهم إمامهم ما شاء الله و یكون له غیبتان إحداهما أطول من الأخری ..» (۲) «... آن گاه امامشان از میان آن ها تا هر زمان که خدا بخواهد غایب خواهد شد. و برای او دو غیبت مقرر شده که یکی از آن دو از دیگری طولانی تر است...».

جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: «وللقائم من ولدك غيبه؟ قال: إی وربی. ثم قرأ هذه الآية: « وَ لِيَمَّحِصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمَّحَقَ الْكَافِرِينَ » (۳)؛ (۴) «آیا برای قائم از اولاد تو غیبت است؟ فرمود: آری به خدا سوگند. آن گاه این آیه را قرائت نمود: « وَ لِيَمَّحِصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمَّحَقَ الْكَافِرِينَ »».

(۲) امام علی علیه السلام

در بسیاری از روایات از امام علی علیه السلام به آن اشاره نموده است از جمله؛ صدوق در حدیثی به سند خود از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده که فرمود: «للقائم

ص: ۱۲

۱- ۲. کمال الدین، ص ۲۵۶؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۲۷، ح ۳.

۲- ۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۰.

۳- ۴. سوره آل عمران، آیه ۱۴۱.

۴- ۵. همان، ج ۵۱، ص ۷۳، ح ۱۸؛ کمال الدین، ص ۲۸۷.

مَنَّا غيبه أمرها طويل كأنني بالشيعة يجولون جولان النعم في غيبته يطلبون المرعى فلا يجدونه ألا فمن ثبت منهم على دينه ولم يقس قلبه لطول أمد غيبه إمامه فهو معي في درجتي يوم القيامة...»؛^(۱) «برای قائم از ما غیبتی است که زمان و مدت آن طولانی خواهد بود. گویا شیعه را می بینم که به مانند گوسفندان متحیر و سرگردان به دنبال چراگاه می گردد ولی آن را نمی یابد. آگاه باشید! هرکس که در آن زمان بر دین خود ثابت قدم باشد و قلبش به جهت طولانی شدن مدت غیبت سخت نشود، او با من و در مرتبه من در روز قیامت خواهد بود.»

۳) امام حسن علیه السلام

شیخ صدوق رحمه الله به سند خود در حدیثی نقل می کند که امام حسن مجتبی علیه السلام بعد از مصالحه با معاویه و اعتراض برخی به آن حضرت در این جهت فرمود: «ویحکم ما تدرون ما عملت، واللّه الذی عملت خیر لشیعتی مما طلعت علیه الشمس أو غربت، ألا تعلمون أنّی إمامکم مفترض الطاعه علیکم وأحد سیدی شباب أهل الجنّه بنصّ رسول اللّه صلی الله علیه وآله علیّ؟ قالوا: بلی. قال: أما علمتم أنّ الخضر علیه السلام لَمَّا خرق السفینه وأقام الجدار وقتل الغلام کان ذلك سخطاً لموسی بن عمران علیهما السلام إذا خفی علیه وجه الحکمه فی ذلك وکان ذلك عند اللّه تعالی ذکره حکمه وصواباً. أما علمتم أنّه ما مَنَّا أحد إلّا ویقع فی عنقه بیعه لطاغیه زمانه إلّا القائم الذی یصلّی روح اللّه عیسی بن مریم علیهما السلام خلفه فإنّ اللّه عزّوجلّ یخفی ولادته ویغیب شخصه لئلاّ یكون لأحد فی عنقه بیعه. إذا خرج ذلك التاسع من ولد أخی الحسین بن سیده

ص: ۱۳

۱- ۶. کمال الدین، ص ۳۰۳؛ اعلام الوری، ص ۴۲۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۰۹، ح ۱.

الإمام يطيل الله عمره في غيبته ثم يظهره بقدرته في صورة شابّ دون أربعين سنة ذلك ليعلم أنّ الله على كلّ شيء قدير.» (۱)

«وای بر شما! نمی دانید که من چه کردم؟ به خدا سوگند آنچه را من انجام دادم برای شیعیانم از آنچه خورشید بر او طلوع و غروب کرده بهتر است. آیا نمی دانید که من امام شما هستم که اطاعتم بر شما واجب است؟ آیا من یکی از دو آقای جوانان اهل بهشت به تصریح رسول خداصلی الله علیه وآله نیستم؟ گفتند: آری. فرمود: آیا نمی دانید خضر علیه السلام هنگامی که کشتی را سوراخ و دیوار را بر پا و غلام را کشت، مورد غضب موسی بن عمران قرار گرفت، به جهت آن که حکمت آن را نمی دانست؟ ولی این امر نزد خداوند متعال مطابق حکمت و صواب بود. آیا نمی دانید که هر یک از ما بر گردن خود بیعت طاغوت زمان خود را داریم، جز قائمی که عیسی بن مریم علیهما السلام پشت سر او نماز می گزارد. خداوند عزوجلّ ولادت او را مخفی خواهد نمود، و شخصش را غایب خواهد کرد تا آن که بر گردن او از جانب هیچ کس هنگام خروج بیعت نباشد. او نهمین از اولاد برادرم حسین و فرزند بهترین زنان است. خداوند عمر او را در غیبتش طولانی خواهد گرداند، آن گاه او را به قدرت خود در صورت جوانی کمتر از چهل سال ظاهر خواهد نمود، تا دانسته شود که خداوند بر هر کاری قدرتمند است.»

۴) امام حسین علیه السلام

صدوق به سند خود از امام حسین علیه السلام نقل کرده که فرمود: «فی التاسع من ولدی سنّه من یوسف و سنّه من موسی بن عمران علیهما السلام وهو قائمنا أهل البيت

ص: ۱۴

یصلح الله تبارک و تعالی امره فی ليله واحده»؛^(۱) «در نهمین از فرزندانم سنتی از یوسف و سنتی از موسی بن عمران است. و او قائم ما اهل بیت می باشد که خداوند تبارک و تعالی امر او را در یک شب اصلاح خواهد نمود.»

و نیز از امام حسین علیه السلام نقل کرده که فرمود: «قائم هذه الأمة هو التاسع من ولدی وهو صاحب الغیبه»؛^(۲) «...قائم این امت همان نهمین از اولاد من است، و او صاحب غیبت می باشد...».

و نیز فرمود: «... له غیبه یرتدّ فیها أقوام و یثبت علی الدین فیها آخرون...»؛^(۳) «... برای او غیبتی است که اقوامی در آن مرتد شده و گروهی دیگر بر دین ثابت خواهند بود...».

۵) امام سجاد علیه السلام

شیخ صدوق رحمه الله به سندش از امام زین العابدین علیه السلام نقل کرده که فرمود: «تمتد الغیبه بولی الله الثانی عشر من أوصیاء رسول الله و الأئمة بعده علیهم السلام. یا أباخالد! إنَّ أهل زمان غیبه القائلین بإمامته و المنتظرین لظهوره أفضل من أهل کلّ زمان، لأنَّ الله تبارک و تعالی أعطاهم من العقول و الأفهام و المعرفة ما صارت به الغیبه عندهم بمنزله المشاهده...»؛^(۴) «آن گاه غیبت به ولی خدای عزوجلّ دوازدهمین از اوصیای رسول خدا و امامان بعد از او امتداد می یابد. ای ابا خالد! همانا اهل زمان غیبت او که به امامتش قائلند و منتظر ظهور او می باشند

ص: ۱۵

۱- ۸. کمال الدین، ص ۳۱۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲ و ۱۳۳، ح ۲.

۲- ۹. همان، ص ۳۱۷؛ بحار الأنوار ح ۳.

۳- ۱۰. همان، بحار الأنوار، ح ۴.

۴- ۱۱. کمال الدین، ص ۳۱۹؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۸۶.

افضل از اهل هر زمان هستند، زیرا خداوند تبارک و تعالی به آن ها چنان عقل و فهم و معرفتی داده که غیبت نزد آنان به منزله حضور و مشاهده است...».

۶) امام باقر علیه السلام

صدوق رحمه الله به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: «يأتى على الناس زمان يغيب عنهم إمامهم. فيا طوبى للثابتين على أمرنا فى ذلك الزمان. إنَّ أدنى ما يكون لهم من الثواب أن يناديهم البارئ جلّ جلاله فيقول عبادى وإمائي أمتم بسرى وصدقتم بغيبى، فأبشروا بحسن الثواب منى...»؛^(۱) «زمانی بر مردم بیاید که امامشان از آن ها غایب گردد. پس خوشا به حال کسانی که بر امر ما در آن زمان ثابت قدم باشند. همانا کمترین ثوابی که برای آن ها در نظر گرفته شده این است که خداوند باری جلّ جلاله می فرماید: ای بنده ها و کنیزان من! به سرّ من ایمان آوردید، و غیب مرا تصدیق کردید، بشارت باد شما را به حسن ثواب از جانب من...».

۷) امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: «الخامس من ولد السابع يغيب عنكم شخصه»؛^(۲) «پنجمین از اولاد، هفتمین کسی است که شخصش از شما غایب خواهد شد.»

و نیز فرمود: «أما واللّه ليغيبنّ عنكم مهديكم حتى يقول الجاهل منكم ما

ص: ۱۶

۱- ۱۲. کمال الدین، ص ۳۳۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۵، ح ۶۶.

۲- ۱۳. کمال الدین، ص ۳۳۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۴۳، ح ۴.

لَّهُ فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَةٌ»؛ (۱) «آگاه باشید! به خدا سوگند! که مهدی شما از بین شما غایب خواهد شد تا این که جاهل از شما می گوید: خداوند احتیاجی به آل محمد ندارد...».

و نیز فرمود: «إِنَّ الْغَيْبَةَ سَتَعِبَ بِالسَّادِسِ مِنْ وَلَدِي وَهُوَ الثَّانِي عَشْرَ مِنَ الْأَثْمَةِ الْهَدَاهِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَوْلَهُمْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَآخِرَهُمُ الْقَائِمَ بِالْحَقِّ بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ...»؛ (۲) «...همانا غیبت در ششمین از فرزندانم واقع خواهد شد. و او دوازدهمین از امامان هدایت بعد از رسول خداست که اول آن ها امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، و آخر آن ها قائم به حق، بقیه الله در روی زمین است...».

و نیز فرمود: «إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ»؛ (۳) «همانا برای قائم غیبتی قبل از قیام است.»

۸) امام کاظم علیه السلام

امام کاظم علیه السلام فرمود: «إِذَا فَقَدَ الْخَامِسَ مِنْ وَلَدِ السَّابِعِ فَاللَّهُ اللَّهُ فِي أَدْيَانِكُمْ لَا يَزِيلَنَّكُمْ أَحَدٌ عَنْهَا، يَا بَنِيَّ! إِنَّهُ لَا بَدَّ لِمَنْ هَذَا الْأَمْرُ مِنْ غَيْبِهِ...»؛ (۴) «هنگامی که پنجمین از اولاد هفتمین مفقود شد پس خدا را خدا را در ادیانتان، کسی شما را از آن جدا نکند، ای فرزندم! همانا به طور حتم برای صاحب این امر غیبتی است...».

ص: ۱۷

۱-۱۴. همان، ص ۳۴۱، بحار الأنوار، ص ۱۴۵، ح ۱۲.

۲-۱۵. همان، بحار الأنوار، ح ۱۳.

۳-۱۶. همان، ص ۳۴۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶، ح ۷۰.

۴-۱۷. کمال الدین، ص ۳۵۹ و ۳۶۰؛ کافی، ج ۱، ص ۳۳۶، ح ۲.

یونس بن عبدالرحمن می گوید: من بر موسی بن جعفر علیهما السلام وارد شدم و عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! آیا شما قائم به حق می باشید؟ فرمود: «أنا القائم بالحق ولكن القائم الذي يطهر الأرض من أعداء الله عز وجل ويملاها عدلاً كما ملئت جوراً وظلماً هو الخامس من ولدي له غيبه يطول أمدها خوفاً على نفسه...»؛^(۱) «من قائم به حَقِّم، ولی قائمی که زمین را از دشمنان خداوند عزوجل پاک کرده و آن را پر از عدالت خواهد نمود آن گونه که پر از ظلم و جور شده باشد همان پنجمین نفر از اولاد من است. برای او غیبتی طولانی است زیرا بر جان او خطر است...».

و نیز در بیان قول خداوند متعال «وَأَشْبَحَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً»^(۲) فرمود: «النعمة الظاهرة الإمام الظاهر والباطنة الإمام الغائب. فقلت له: ويكون في الأئمة من يغيب؟ قال: نعم، يغيب عن أبصار الناس شخصه ولا يغيب عن قلوب المؤمنين ذكره وهو الثاني عشر منّا...»؛^(۳) «نعمت ظاهر امام ظاهر و نعمت باطن امام غایب است. راوی می گوید: به حضرت عرض کردم: آیا در میان ائمه کسی غایب می شود؟ فرمود: آری شخصش از چشمان مردم غایب می گردد، ولی از قلوب مؤمنان غایب نمی گردد، و او دوازدهمین از ما می باشد...».

۹) امام رضاعلیه السلام

صدوق رحمه الله به سندش از امام رضاعلیه السلام نقل کرده که فرمود: «الرابع من ولدي

ص: ۱۸

۱- ۱۸. همان، ص ۳۶۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱، ح ۶.

۲- ۱۹. سوره لقمان، آیه ۲۰.

۳- ۲۰. کمال الدین، ص ۳۶۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱، ح ۲.

ابن سیده الإمام يطهر الله به الأرض من كل جور ويقدمها من كل ظلم، وهو الذي يشك الناس في ولادته وهو صاحب الغيبة قبل خروجه...»؛ (١) «... چهارمین از اولاد من، که فرزند بهترین زنان است، خداوند به واسطه او زمین را از هر ظمی پاک و پیراسته خواهد نمود، و او کسی است که مردم در ولادتش شک خواهند کرد، و اوست صاحب غیبت قبل از خروجش...».

و نیز به دعبل فرمود: «... یا دعبل! الإمام بعدی محمد ابنی و بعد محمد ابنه علی و بعد علی ابنه الحسن و بعد الحسن ابنه الحجة المنتظر فی غیبه...»؛ (٢) «... ای دعبل! امام بعد از من محمد فرزند من است. و بعد از محمد، فرزندش علی و بعد از علی، فرزندش حسن و بعد از حسن فرزندش حجت قائم است. کسی که در غیبتش به انتظار او می نشیند...».

١٠) امام جواد علیه السلام

عبدالعظیم حسنی علیه السلام می گوید: من بر آقا محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام وارد شدم به قصد این که از او درباره قائم سؤال کنم که آیا او مهدی است یا دیگری، حضرت ابتدئاً فرمود: «... یا أبا القاسم! إنَّ القائم منَّا هو المهديّ الذي يجب أن ينتظر في غيبته ويطاع في ظهوره وهو الثالث من ولدي...»؛ (٣) «ای ابا القاسم! همانا قائم از ما همان مهدی است که واجب است در غیبتش انتظار او را کشیده و هنگام ظهورش از او اطاعت شود، و او سومین از اولاد من است...».

ص: ١٩

١- ٢١. کمال الدین، ص ٣٧١؛ بحار الأنوار، ج ٥٢، ص ٣٢١، ح ٢٩.

٢- ٢٢. همان، ص ٣٧٢؛ بحار الأنوار، ج ٥١، ص ١٥٤، ح ٤.

٣- ٢٣. کمال الدین، ص ٣٧٧؛ بحار الأنوار، ج ٥١، ص ١٥٦، ح ١.

صقر بن ابی دلف می گوید: به امام جواد علیه السلام عرض کردم: چرا قائم را منتظر خوانند؟ فرمود: «... لأنَّ له غیبه تکثر آیامها ویطول آمدھا فینتظر خروجه المخلصون وینکره المرتابون...»؛^(۱) «زیرا برای او غیبتی است که روزهایش زیاد و مدتش طولانی خواهد بود. مخلصین در انتظار خروج او به سر خواهند برد، و شک کنندگان، او را انکار خواهند کرد...».

(۱۱) امام هادی علیه السلام

صدوق رحمه الله به سندش از ابی هاشم داوود بن قاسم جعفری نقل می کند که از ابوالحسن (امام هادی علیه السلام) شنیدم که می فرمود: «... ومن بعدی الحسن ابنی فکیف للناس بالخلف من بعده؟ قال: فقلت: وکیف ذاک یا مولای؟! قال: لأنَّه لا یری شخصه ولا یحلّ ذکره باسمه...»؛^(۲) «جانشین بعد از من فرزندم حسن است، پس چگونه است شما را به خلف بعد از خلف؟ عرض کردم: چگونه، خداوند مرا فدایت گرداند؟ حضرت فرمود: زیرا شخصش دیده نمی شود و حلال نیست که نامش برده شود...».

(۱۲) امام عسکری علیه السلام

اشاره

فعالیت های امام عسکری علیه السلام را در این زمینه می توان به چند دسته تقسیم نمود:

۱ - تعلیمات و بیانات

امام عسکری علیه السلام در حدیث مبسوطی به احمد بن اسحاق فرمود: «...یا أحمد بن إسحاق! مثله فی هذه الأمة مثل الخضر علیه السلام ومثله مثل ذی القرنین،

ص: ۲۰

۱- ۲۴. همان، ص ۳۷۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۰، ح ۴.

۲- ۲۵. کمال الدین، ص ۳۷۹ و ۳۸۰؛ اعلام الوری، ص ۴۳۷ و ۴۳۸.

والله ليغيبن غيبه لا- ينجو فيها من الحركة إلا من ثبته الله عزوجل على القول بإمامته، ووقفه فيها الدعاء بتعجيل فرجه...» (۱) «... ای احمد بن اسحاق! مثل او در این امت مثل خضر علیه السلام و مثلش مثل ذی القرنین است. به خدا سوگند! هر آینه غیبتی خواهد نمود که تنها کسانی که خداوند آنان را بر قول به امامت او ثابت کرده، و به دعا بر تعجیل فرجش موفق ساخته، هلاک نخواهند شد...».

و نیز فرمود: «... أما أن لولدی غیبه یرتاب فیها الناس إلا من عصمه الله عزوجل»؛ (۲) «... آگاه باشید! همانا برای فرزندم غیبتی خواهد بود که در آن مردم شک خواهند کرد جز کسانی که خداوند عزوجل آن ها را حفظ کرده باشد.»

۲ - کم کردن ارتباطات خود با شیعیان

مسعودی می گوید: «هنگامی که امر امامت به او رسید با خواص خود و غیر خواص از پشت پرده سخن می گفت، مگر در اوقاتی که او را به خانه سلطان می بردند.» (۳) لذا شیعیان حضرت برای ملاقات با او در راه می نشستند تا در آن اوقات حضرت را ملاقات کنند. (۴)

۳ - اتخاذ نظام وکالت

گرچه امام عسکری علیه السلام اولین کسی نبود که به نظام وکالت رو آورد، ولی در زمان آن حضرت برای زمینه سازی غیبت فرزندش مهدی علیه السلام آن را توسعه داد. و لذا در این راستا عثمان بن سعید و فرزندش را به عنوان وکیل مورد

ص: ۲۱

۱- ۲۶. کمال الدین، ص ۳۸۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳ و ۲۴، ح ۱۶.

۲- ۲۷. همان، ص ۴۰۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰، ح ۶.

۳- ۲۸. اثبات الوصیه، ص ۲۸۶.

۴- ۲۹. بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۹۰، ح ۶۳ و ص ۲۹۳، ح ۶۷.

اعتماد و ثقه خود معرفی فرمود: «... وأشهدوا علي أنّ عثمان بن سعيد العُمري وكيلى وأنّ ابنة محمد وكيلى ابني مهديكم»؛^(۱)
«و شهادت دهید بر این که عثمان بن سعيد عُمري وكيلى من است و همانا فرزند او محمد وكيلى فرزند من، مهدى شماست.»

و نیز از وکلای او محمد بن احمد بن جعفر و جعفر بن صیقل است.^(۲)

۴ - قربانی کردن برای فرزندش

صدوق به سندش از ابی جعفر عُمري نقل کرده که فرمود: هنگامی که آقا متولد شد، ابو محمد (عسکری) فرمود: «ابعثوا إلی أبی عمرو، فبعث إلیه فصار إلیه، فقال: اشتر عشرة آلاف رطل خبزاً وعشرة آلاف رطل لحماً وفزقه - أحسبه قال: - علی بنی هاشم، وعقّ عنه بكذا وكذا شاه»؛^(۳) «کسی را نزد ابو عمرو بفرستید. کسی را فرستادند. هنگامی که آمد، حضرت به او فرمود: «ده هزار پیمانۀ نان و ده هزار پیمانۀ گوشت بخر و به گمانم فرمود آن را بین بنی هاشم تقسیم کن. و از طرف او فلان تعداد گوسفند عقیقه کن.»

و نیز در نامه ای به خواصّ خود در قم دستور داد که از طرف فرزندش عقیقه کرده و به مردم گوشزد کنند که این عقیقه به مناسبت ولادت مولود جدید امام عسکری علیه السلام محمد است. و نیز به خواص خود در بغداد و سامرا نیز چنین نوشت.

۵ - ارائه دادن فرزند خود به خواص از شیعیان

امام عسکری علیه السلام برای تثبیت قلوب شیعیان نسبت به ولادت و امامت

ص: ۲۲

۱- ۳۰. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۴، ح ۱.

۲- ۳۱. همان، ج ۵۰، ص ۳۰۹ و ۳۱۰، ح ۹.

۳- ۳۲. کمال الدین، ص ۴۳۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵، ح ۹.

فرزندش مهدی علیه السلام او را به تعداد بسیاری از یارانش نشان داد. آن ها نیز از آن فرزند معجزاتی مشاهده کردند که موجب یقین به امامت او شد، که از آن جمله می توان به احمد بن اسحاق اشعری اشاره نمود. (۱)

(۱۳) امام مهدی علیه السلام

حضرت علیه السلام با قطع نظر از زمینه سازی هایی که امامان قبل برای تثبیت مسأله ولادت و امامت و غیبت او داشتند، خود نیز به شخصه در این مسأله دخالت کرده و از راه های مختلف درصدد اثبات ولادت و امامت خود برآمدند.

اینک به برخی از این راه ها اشاره می کنیم:

۱ - حضرت کاری کردند که گروهی از بزرگان شیعه بتوانند به ملاقاتش شرفیاب شوند.

۲ - در مواقع ضروری اقدام به انجام کرامت و معجزه می نمود. این معجزات بعضاً توسط سفرا و در برخی موارد نیز توسط خود حضرت انجام می گرفت. (۲)

۳ - آن حضرت شخصاً درصدد پاسخ به سؤال های مختلف مردم بر می آمد تا اعتقاد و یقینشان نسبت به او بیشتر گردد.

۴ - خطّ خاصّ حضرت نیز از جمله قرائن و دلایلی بود که می توانست بر وجود امام عصر علیه السلام دلالت کند؛ زیرا این خطّ در زمان پدرش امام عسکری علیه السلام بین مردم مأنوس بوده است، و لذا از جمله راه هایی بود که با رسیدن توقیعات

ص: ۲۳

۱- ۳۳. کمال الدین، ص ۳۸۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳ و ۲۴، ح ۱۶.

۲- ۳۴. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۲۵، ح ۴۴.

از ناحیه مقدسه، شیعیان به وجود امام زمان خود یقین و اطمینان پیدا می نمودند.

اختفای از دشمنان

از آنجا که بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام، حاکمان ظلم و جور نیز در صدد نابودی حضرت بودند، لذا حضرت تدابیری برای اختفای خود از آن ها داشت. اینک به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ - حضرت خود را جز به کسانی که مخلص و فدایی بودند، نشان نمی داد.

۲ - بعد از آن که شخصی به حضور حضرت شرفیاب می شد، به او سفارش زیاد می شد که این امر را کتمان بدارد و در خبر دادن به شیعیان نهایت احتیاط را داشته باشد.

۳ - تحریم نام بردن از اسم مخصوص امام زمان علیه السلام یعنی «محمّد». از این رو مشاهده می کنیم که در آن عصر در مورد امام علیه السلام از تعبیراتی همچون: قائم، غریب، حجت، ناحیه، صاحب الزمان و دیگر تعبیرات مبهم استفاده می شد. (۱)

۴ - مخفی شدن از دستگاه خلافت و هر کس که از موالیان آن حضرت به شمار نمی آمد.

۵ - تغییر دادن مکان و خانه حضرت از جایی به جایی دیگر به نحوی که نظرها را به خود جلب نکنند، و نیز کسی به آن حضرت مشکوک نشود. و لذا روایاتی را که در تعیین مکان و خانه حضرت اختلاف دارند به همین معنا توجیه می کنیم.

ص: ۲۴

۱- ۳۵. الغیبه، طوسی، ص ۳۶۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵۱، ح ۳.

۶ - کیفیت ارتباط و کیل یا سفیر به قدری مخفیانه بود که هیچ کس از آن اطلاعی پیدا نمی کرد.

۷ - حضرت وکالت یا سفارت خود را به کسانی واگذار می کرد که نهایت اخلاص و فداکاری را به حضرت داشتند، به حدی که محال بود، مکان حضرت و خصوصیات ایشان را اطلاع دهند. لذا هنگامی که به ابوسهل نوبختی گفتند: چرا سفارت به حسین بن روح واگذار شد نه به شما؟ در جواب گفت: «... او کسی است که اگر حجت در زیر عبایش باشد و بدنش را قطعه قطعه کنند تا عبایش را از روی او بردارد هرگز چنین نخواهد کرد».^(۱)

ص: ۲۵

۱- ۳۶. الغیبه، طوسی، ص ۳۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵۸، ح ۶.

سفیران ناحیہ مقدّسہ

اشارہ

ص: ۲۷

چهار نایب از ناحیه مقدسه

امام مهدی علیه السلام در دوران غیبت صغری چهار نفر را به عنوان نایبان خاص خود به شیعیان معرفی نمود.

این چهار تن از عالمان بزرگ و پارسای شیعه بوده اند؛ و عبارتند از:

(۱) ابو عمرو، عثمان بن سعید عمری

(۲) ابو جعفر، محمد بن عثمان بن سعید عمری

(۳) ابوالقاسم، حسین بن روح نوبختی

(۴) ابوالحسن، علی بن محمد سمی

گرچه شیخ طوسی رحمه الله و دیگران درباره زندگی این چهار سفیر عالی مقام مطالب کمی نوشته اند و لذا نمی توان درباره زندگی نامه آن ها به قدر کافی اطلاعاتی به دست آورد ولی با این وجود تا اندازه ای که مدارک و مستندات تاریخی اجازه می دهد در این باره مطالبی را بیان می داریم.

سفیر اول امام مهدی علیه السلام

سفیر اول امام مهدی علیه السلام ابو عمرو عثمان بن سعید عمری است. او به جهت شناخته نشدن، به شغل روغن فروشی روی آورد. در مصادر تاریخی

سخن از سال ولادت و وفات او به میان نیامده است، و تنها اسم او برای اولین بار به عنوان وکیل خاص امام هادی علیه السلام برده شده است.

او بعد از شهادت امام هادی علیه السلام وکیل خاص از طرف امام عسکری علیه السلام شد. آن حضرت نیز او را در مناسبت های مختلف مورد مدح و ستایش خود قرار می داد. از جمله آن که در حق او فرمود: «هذا أبو عمرو الثقة الأمين، ثقة الماضي وثقتي في المحيي والممات، فما قاله لكم فعنّي يقوله، وما أدّى إليكم فعنّي يؤدّيه»؛^(۱) «این ابو عمرو، ثقه و امین است، مورد اطمینان گذشتگان و مورد اطمینان من در حیات و بعد از حیات من است، هر آنچه برای شما می گوید از من است و آنچه به شما می رساند از جانب من می باشد.»

در مجلسی که او با چهل نفر از شیعیان امام عسکری علیه السلام بودند، حضرت فرزند خود مهدی را به او نشان داد و بر امامت و غیبت او تصریح نمود، و درباره وکالت او فرمود: «هر آنچه عثمان (بن سعید) می گوید قبول کنید...».^(۲)

هنگام شهادت امام عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ هجری، در تغسیل حضرت حاضر بود و تمام امور ایشان را به عهده داشت.^(۳)

ممکن است که این عمل را این گونه توجیه نماییم که او در ظاهر، عمل تغسیل را انجام داده تا امر بر حاکمان ظلم مشتبّه گردد و گرنه مطابق برخی روایات، امر تغسیل و تکفین امام بر عهده امام است. عثمان بن سعید بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام به تصریح آن حضرت و نصّ امام مهدی علیه السلام هنگام

ص: ۳۰

۱- ۳۷. الغیبه، طوسی، ص ۳۵۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۴.

۲- ۳۸. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۶، ح ۱.

۳- ۳۹. الغیبه، طوسی، ص ۳۵۶.

ورود قَمی ها به سامرا، سفیر اوّل آن حضرت شد، و از آن موقع به انجام وظایف خود پرداخت، تا آن که وقت وفاتش رسید. فرزندش ابوجعفر محمّد بن عثمان متولّی تجهیز او شد و در جانب غربی بغداد به خاک سپرده شد. (۱)

بعد از وفات عثمان بن سعید از ناحیه مقدّسه نامه ای صادر شد و حضرت در آن نامه با تسلیت به فرزندش محمّد، او را به سفارت خود منصوب گردانید. (۲)

مدرک سفارت سفیر اوّل

احمد کاتب می گوید: روایتی که نصّ صریح در اعلام امام عسکری علیه السلام بر سفارت عثمان بن سعید از طرف امام مهدی علیه السلام است از حیث سند ضعیف می باشد؛ زیرا در سند آن، جعفر بن محمّد بن مالک فرازی است که نجاشی و ابن الغضائری او را تکذیب نموده اند.

در پاسخ او می گوئیم:

۱ - جعفر بن محمّد بن مالک را شیخ طوسی رحمه الله توثیق نموده است. و تضعیف او از کتاب ابن الغضائری منشأ شده که این کتاب نزد مشهور علمای امامیه به اثبات نرسیده است.

۲ - شیخ طوسی رحمه الله در کتاب «الغیبه» به سند اعلاّیی از بزرگان طایفه از احمد بن اسحاق قَمی مسأله توکیل نایب دوم و پدرش را روایت کرده است. (۳)

ص: ۳۱

۱- ۴۰. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵۰، ح ۳.

۲- ۴۱. الغیبه، طوسی، ص ۳۶۱؛ کمال الدین، ص ۵۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۸.

۳- ۴۲. الغیبه، طوسی، ص ۳۵۹ و ۳۶۰.

۳ - شیعه در مسأله امامت و سفارت دقت زیادی به کار برده و به مجرد ادّعی شخصی بر سفارت، حرف او را تصدیق نمی کرده است، و لذا با مدّعیان دروغین سفارت شدیداً به مقابله پرداخته است.

دفاع از عثمان بن سعید

برخی می گویند: موضوع غیبت امام زمان علیه السلام ساخته برخی از اصحاب خصوصاً عثمان بن سعید (نایب اول امام زمان علیه السلام) است. ولی در پاسخ او می گوئیم:

اوّل کسی که به موضوع غیبت امام زمان علیه السلام اشاره کرد رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله و سپس امیرالمؤمنین علیه السلام و سایر امامان بوده است. آنان غیبت او را پیش بینی کرده و وقوع آن را به مردم گوشزد کرده اند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «سوگند به خدایی که مرا برای بشارت برانگیخت، قائم فرزندان من بر طبق عهدهی که به او می رسد غایب می شود، به طوری که بیشتر مردم خواهند گفت: خداوند به آل محمّد نیازی ندارد و دیگران در اصل تولّد او شک می کنند، پس هرکس زمان غیبت را درک کرد باید دینش را نگهداری کند...» (۱).

اصبغ بن نباته از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده که فرمود: «آگاه باشید که آن جناب به طوری غایب می شود که شخص نادان خواهد گفت: خدا به آل محمّد احتیاجی ندارد.» (۲).

ص: ۳۲

۱- ۴۳. اثباه الهداه، ج ۶، ص ۳۸۶.

۲- ۴۴. همان، ص ۳۹۳.

امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر خبر غیبت امام خود را شنیدید انکار نکنید» (۱). لذا موضوع غیبت امام زمان علیه السلام آن چنان بین شیعیان شایع و رایج بود که شعرا در شعرهایشان و مؤلفان در کتاب‌ها به آن پرداخته‌اند. از جمله کسانی که قبل از ولادت امام زمان علیه السلام در مورد غیبت حضرت مهدی علیه السلام تألیف داشته‌اند عبارتند از:

۱ - علی بن حسن بن محمد طائی طاطری از اصحاب موسی بن جعفر علیهما السلام (۲).

۲ - علی بن عمر اعرج کوفی از اصحاب موسی بن جعفر علیهما السلام (۳).

۳ - ابراهیم بن صالح از اصحاب حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام (۴).

۴ - حسن بن علی بن ابی حمزه، معاصر امام رضا علیه السلام (۵).

۵ - عباس بن هشام ناشری اسدی، از اصحاب امام رضا علیه السلام (۶).

۶ - علی بن حسن بن فضال از اصحاب امام هادی و عسکری علیهما السلام (۷).

۷ - فضل بن شاذان نیشابوری از اصحاب آن دو امام علیهما السلام (۸).

سفیر دوم امام زمان علیه السلام

ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمّری بعد از وفات پدرش همان گونه که امام عسکری علیه السلام تصریح نموده بود، به مقام سفارت نایل شد. آن حضرت به جماعت قمی‌ها فرمود: «اشهدوا علیّ أنّ عثمان بن سعید وکیل، وأنّ ابنه

ص: ۳۳

۱- ۴۵. همان، ص ۳۵۰.

۲- ۴۶. رجال نجاشی، ص ۱۹۳.

۳- ۴۷. همان، ص ۱۹۴.

۴- ۴۸. همان، ص ۲۸.

۵- ۴۹. همان.

۶- ۵۰. همان، ص ۲۱۵.

۷- ۵۱. همان، ص ۱۹۵.

۸- ۵۲. همان، ص ۲۳۵.

محمد وکیل ابنی مهدیکم»؛^(۱) «شهادت دهید بر من که عثمان بن سعید وکیل من است. و نیز فرزند او محمد وکیل فرزندم مهدی شماست.»

و نیز سفارت او با نصّ و تصریح پدرش به امضا رسید.^(۲)

او نزد شیعیان عصر خود مورد وثوق و معروف به امانت داری بود. و هیچ یک از امامیه در این مطلب شک نداشتند. چگونه شک کنند در حالی که امام عسکری علیه السلام در حق او و پدرش فرمود: «العمری و ابنه ثقتان»؛^(۳) «عمری و فرزندش مورد وثوقند...».

و نیز امام مهدی علیه السلام او را مورد تأیید خود قرار داد و فرمود: «لم یزل ثقتنا فی حیاة الأب رضی الله عنه»؛^(۴) «تو در زمان حیات پدر دائماً مورد وثوق ما بودی...».

وی در حدود پنجاه سال به نحو احسن وظایف خود را به خوبی انجام داد تا آن که در جمادی الاولی سال ۳۰۵ یا ۳۰۴ هجری به رحمت ایزدی پیوست.^(۵)

محمد بن عثمان بیشتر از دیگر سفیران در این پست و مقام به خدمت پرداخت. کتاب هایی در فقه تألیف کرده که از امام عسکری و حضرت مهدی علیهما السلام و پدرش عثمان بن سعید و از امام هادی علیه السلام اخذ نموده است.^(۶) او به ارشاد امام مهدی علیه السلام از زمان مرگش اطلاع داشته است، و لذا برای خود قبری را آماده نموده بود.^(۷) بعد از وفات در کنار قبر پدرش به خاک سپرده شد.

ص: ۳۴

۱- ۵۳. الغیبه، طوسی، ص ۳۵۵.

۲- ۵۴. همان، ص ۳۵۹.

۳- ۵۵. همان، ص ۳۶۰؛ کافی، ج ۱، ص ۳۲۹.

۴- ۵۶. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۹.

۵- ۵۷. الغیبه، طوسی، ص ۳۶۶.

۶- ۵۸. همان، ص ۳۶۳.

۷- ۵۹. همان، ص ۳۶۵.

سفیر سوم، شیخ جلیل ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی است. او در ابتدای امر وکیل ابی جعفر محمد بن عثمان عمّری بود که بر املاک او نظارت داشت، تا آن که وصیت با نصّ به او منتهی شد و هیچ کس در این امر شک نداشت. (۱)

برخی از شیعیان، مالی را برای ابوجعفر عمّری به مقدار چهارصد دینار فرستادند تا به امام زمان علیه السلام برساند، ابوجعفر دستور داد تا آن را به حسین بن روح بدهند. او هنگامی که تردید و شک آن شخص را به جهت ثابت نشدن سفارتش دید، بار دیگر تأکید کرد که این مبلغ را به حسین بن روح برساند، زیرا این دستور امام زمان علیه السلام است.

بعد از آن که وضع مزاجی ابوجعفر عمّری بحرانی شد جماعتی از بزرگان شیعه از آن جمله ابوعلی بن همام، ابوعبدالله بن محمد کاتب، ابوعبدالله باقطنی، ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی، ابوعبدالله بن وحناء و دیگر بزرگان، بر او وارد شدند و عرض کردند که اگر بر شما اتفاقی افتاد چه کسی جانشین شما خواهد بود؟ ابوجعفر عمّری فرمود: این ابوالقاسم حسین بن روح، قائم مقام من و سفیر بین شما و صاحب امر علیه السلام است. او وکیل و ثقه و امین است، پس در امورتان به او مراجعه نموده و در امور مهم بر او اعتماد نمایید، زیرا من به این مطلب امر شده ام تا بر شما ابلاغ نمایم. (۲)

ابوجعفر بن احمد متیل می گوید: هنگام وفات محمد بن عثمان عمّری من بالای سر او نشسته بودم و از او سؤال می کردم و حسین بن روح نیز بر پایین

ص: ۳۵

۱- ۶۰. همان، ص ۳۷۲.

۲- ۶۱. همان، ص ۳۷۱.

پای او قرار داشت. محمد بن عثمان روی به من نموده و فرمود: من امر شدم تا بر ابي القاسم بن روح وصیت کنم. من با شنیدن این خبر از جای خود بلند شده، حسین بن علی روح را به جای خود بر بالای سر محمد بن عثمان قرار دادم. (۱)

جهت این تأکیدات از ناحیه محمد بن عثمان بر وصایت حسین بن روح این بود که او چندان جایگاه ویژه ای در بین شیعیان به جهت ارتباط با امامان علیهم السلام نداشته است، اگرچه از نزدیکان خاص محمد بن عثمان بوده است. و سرّ سفارت دادن به او، به جهت اخلاص و فداکاری او بوده است. وی بعد از وفات ابو جعفر عمّری به مدت ۲۱ سال سفارت را بر عهده داشت. اولین نامه ای را که از حضرت دریافت کرد مشتمل بر درود فراوان از جانب آن حضرت بر او بود. (۲)

از آن زمان به وظیفه خود مشغول شد. و روش او التزام به تقیه شدید و مضاعف بود، به حیثی که اظهار اعتقاد به مذهب اهل سنت می نمود تا از این طریق بتواند به وظایف خود عمل کند. او در ایام سفارتش شدیداً با انحرافات و ادعاهای انحرافی سفارت مبارزه می نمود، تا آن که در سال ۳۲۶ هجری رحلت نمود.

سفیر چهارم امام زمان علیه السلام

سفیر چهارم، شیخ جلیل ابوالحسن علی بن محمد سیّمری است. تاریخ ولادت او مشخص نیست، ولی برای اولین بار به عنوان یکی از اصحاب امام

ص: ۳۶

۱- ۶۲. همان، ص ۳۷۰.

۲- ۶۳. همان، ص ۳۷۲.

عسکری علیه السلام شناخته شده است،^(۱) که در بغداد با اشاره حسین بن روح از طرف امام زمان علیه السلام متصدی امر سفارت شد.

در مورد سفارت او خبر معینی نرسیده، و تنها این مطلب را می توان با تسالم و اتفاقی که در بین شیعیان درباره سفارت او بوده کشف نمود، و این موضوع را می توان در نتیجه، کاشف از ابلاغی دانست که از طرف امام زمان علیه السلام به حسین بن روح شده است. او وظایف خود را در امر سفارت از هنگام وفات حسین بن روح به مدت سه سال ادامه داد. وی گرچه همانند دیگران مورد وثوق و اطمینان بود، ولی همانند آن سه سفیر فعالیت گسترده ای نداشته است. و این امر بعید به نظر نمی رسد؛ زیرا در آن سال ها مملکت اسلامی پر از ظلم و جور و خونریزی ها و درگیری ها بوده است، اموری که با برنامه های فرهنگی و اجتماعی منافات داشت. و این خود به تنهایی می تواند تأثیرگذار در انقطاع سفارت بعد از وفات او و عزم امام علیه السلام بر انقطاع و شروع غیبت کبری نیز باشد. و لذا چند روز قبل از وفاتش توقیعی را از امام علیه السلام دریافت می کند که حضرت در آن، خبر از انتهای غیبت صغری و عهد سفارت با مرگ او می دهد و او را از وصیت کردن به سفارت برای بعد از خودش منع می نماید.^(۲)

راوی می گوید: بعد از شش روز از صدور این توقیع به خدمت علی بن محمد رسیدیم در حالی که در حال احتضار بود. به او عرض شد: وصی تو

ص: ۳۷

۱- ۶۴. رجال شیخ طوسی، ص ۴۰۰.

۲- ۶۵. کمال الدین، ص ۵۱۶؛ اعلام الوری، ص ۴۴۵.

کیست؟ فرمود: «برای خدا امری است که او رساننده آن است». این را گفت و از دار دنیا رحلت نمود.

اثبات نیابت چهار سفیر حضرت علیه السلام

۱ - در مورد عثمان بن سعید می‌گوییم: او مورد وثوق امام عسکری علیه السلام بوده و امام مهدی علیه السلام نیز بر منصبش تصریح نموده است.

در مورد فرزندش محمد بن عثمان نیز می‌گوییم: او منصوب از طریق پدرش بوده و غیر از آن که مورد وثوق امام عسکری بوده، از طرف امام زمان علیه السلام نیز بر این امر نیابت خاصه داشته است.

حسین بن روح نیز از طرف محمد بن عثمان به این سمت منصوب شد، و او نیز علی بن محمد سیمری را بر این مقام منصوب کرد.

۲ - راه دوم برای اثبات نیابت این چهار بزرگوار این است که آن‌ها خط امام را که معروف بود، به دیگران نشان داده، بازگو می‌کردند. خط حضرت در زمان پدرش امام عسکری علیه السلام نزد شیعیان معروف بود.

۳ - کرامات فراوانی که به دست مبارک این بزرگواران انجام می‌گرفت، می‌توانست اثبات کننده سفارت آن‌ها باشد. این کرامات در برخی موارد به دست آن‌ها انجام می‌گرفت و برخی دیگر نیز منسوب به امام زمان علیه السلام بود که آن‌ها به اطلاع شیعیان می‌رساندند، همان‌گونه که در قضیه معروف از ابوعلی بغدادی رسیده است. (۱)

ص: ۳۸

سید عبدالله شبّر می گوید: «شیعه هرگز گفتار نَوّاب را نمی پذیرفت مگر در صورتی که معجزه ای از طرف امام عصر علیه السلام به دست آن ها ظاهر می گشت که دلالت بر صدق گفتار و صحت نیابت آن ها داشت»^(۱).

نحوه ارتباط نَوّاب اربعه با شیعیان

توضیح

شیعیان با نَوّاب اربعه دو نوع ارتباط داشتند:

۱ - ارتباط با واسطه و غیر مستقیم

ارتباط با واسطه یک اصل در سازمان سفارت بود، چرا که این سازمان به جهت ظلم عباسیان نمی توانست آشکارا و آزادانه فعالیت کند. بنابراین باید در ارتباط با مردم از راه های استتاری بهره می گرفت.

۲ - ارتباط مستقیم و بی واسطه

این ارتباط در آغاز فعالیت نَوّاب اربعه، در دوره غیبت صغری وجود نداشت، زیرا بنا بود که مسأله نیابت خاصه مخفی بماند، تا حاکمان جور بازتاب و واکنشی از خود نشان ندهند. ولی کم کم شیعیان به صورت پنهانی نام و نشانی سفیر را از وکلا و خواص گرفتند و توانستند با آنان مستقیماً تماس بگیرند. این کار عمدتاً از زمان سفارت دومین سفیر شروع شد و ادامه یافت. شیخ طوسی درباره این نوع ارتباط می نویسد: «عده ای از افراد مورد اعتماد نزد سفرای امام مهدی علیه السلام می رفتند و با دادن نامه و یا بیان داشتن خواسته های خود، پاسخ آن را از ناحیه مقدّسه و توسط سفرا دریافت می کردند»^(۲).

ص: ۳۹

۱- ۶۷. حقّ الیقین، ص ۲۴۲.

۲- ۶۸. الغیبه طوسی، ص ۲۵۷.

اشاره

وظایف و محور کلی فعالیت های نواب اربعه بدین قرار است:

۱ – زدودن شک و حیرت مردم درباره وجود امام مهدی علیه السلام

مهم ترین وظیفه ای که نواب اربعه به ویژه سفیر اول یعنی عثمان بن سعید عمّری بر عهده داشت این بود که برای شیعیان ثابت کند، امام عسکری علیه السلام فرزندی دارد که اکنون امام است و او نایب خاص آن حضرت می باشد.

۲ – حفظ امام مهدی علیه السلام از راه پنهان داشتن نام و مکان آن حضرت

امام مهدی علیه السلام در توقیعی به محمّد بن عثمان بن سعید عمّری بیان داشت که از ذکر نام و نشان آن حضرت خودداری کند و در جهت پنهان داشتن نام و مکان آن حضرت بکوشد. (۱)

ابوسهل نوبختی در جواب این سؤال که چرا تو سفیر ناحیه مقدّسه نشدی؟ فرمود: «من نمی توانم مانند حسین بن روح سرّ نگهدار باشم». (۲)

۳ – سازماندهی و سرپرستی سازمان وکالت

از طریق این سازمان، شیعیان پرسش ها و شبهات دینی خود را با وکلا در میان می گذاشتند و آنان به واسطه سفیر از ناحیه مقدّسه پاسخ را به شیعیان می رساندند، و نیز وجوه شرعی خود را به وکلا می دادند و وکلا آن را به مسئول سازمان تحویل می دادند.

۴ – پاسخ گویی به پرسش های فقهی و مشکلات عقیدتی

آنان گاهی پرسش های فقهی و مسائل مستحدثه شیعیان را به عرض امام

ص: ۴۰

۱- ۶۹. همان، ص ۲۲۲.

۲- ۷۰. همان، ص ۲۴۰.

مهدی علیه السلام می رساندند و پاسخ آن را دریافت و به شیعیان ابلاغ می کردند.^(۱)

۵ - اخذ و توزیع اموال متعلق به امام مهدی علیه السلام

امام مهدی علیه السلام در روز بعد از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام و یا در همان روز، بعد از مراسم خاک سپاری امام عسکری علیه السلام به هیئت قمی ها دستور داد که از این به بعد، اموال متعلق به آن حضرت را به وکیلش در بغداد (ابوعمر، عثمان بن سعید عمّری) تحویل دهند.^(۲)

۶ - مبارزه با غلات و مدعیان دروغین نیابت و باییت

در راستای همین وظیفه، در این دوره هفتاد ساله هر کسی که به دروغ ادّعیای باییت و وکالت نمود، مثل حلاج، شلمغانی و دیگران، با آنان به مبارزه برخاستند و از ناحیه مقدّسه توقیعاتی به واسطه آنان صادر شد، و با روشن شدن ماهیت آنان، شیعیان امامیه از این نوع انحرافات مصون ماندند و به سفارت نواب اربعه و وکالت بیشتر اعتماد نمودند.

۷ - مبارزه با وکلای خائن

گاهی برخی از وکلا منحرف می شدند و از وظایف اصلی خود عدول می کردند. در این صورت مشکلاتی را برای سازمان مخفی وکالت به وجود می آوردند، و گاهی وجوه شرعی را نزد خود نگه می داشتند، در این صورت نواب اربعه هر کدام به نوبه خود مسئولیت داشتند تا با آن وکیل خائن مبارزه کنند.

۸ - آماده سازی مردم برای پذیرش غیبت کبری

این وظیفه بیش از همه بر دوش ابوالحسن علی بن محمد سمری آخرین

ص: ۴۱

۱- ۷۱. اعلام الوری، ص ۴۵۲.

۲- ۷۲. کمال الدین، ص ۴۷۸.

سفیر امام مهدی علیه السلام سنگینی داشت. از این رو امام مهدی علیه السلام از راه اعجاز به او کمک کرد و شش روز قبل از مرگش توقیعی صادر نمود و زمان دقیق وفات وی را بیان داشت تا این که حجت بر همگان تمام شود و اذهان، آماده پذیرش دوره دیگری از غیبت آن حضرت باشد.

ملاک معیار انتصاب نواب اربعه

توضیح

امامان معصوم علیهم السلام بر اساس حکمت رفتار می کردند و قطعاً در نصب ها یک سری معیارها و ملاک هایی را مد نظر داشتند از قبیل:

۱ - تقیه و رازداری در حدّ بالا

سفیر اول حضرت، عثمان بن سعید برای رعایت تقیه می کوشید تا خود را از بازرسی های رژیم عباسی دور نگه دارد. او بدین منظور در هیچ بحث و مجادله مذهبی یا سیاسی به صورت آشکار درگیر نمی شد. (۱)

حسین بن روح نیز در راستای رعایت و حفظ تقیه، یکی از خدمتگزاران خود را تنها به این دلیل که معاویه را لعن نمود عزل و اخراج کرد. (۲)

۲ - صبر و استقامت بسیار عالی و ممتاز

عده ای از ابوسهل نوبختی پرسیدند: چرا تو نایب خاص حضرت نشدی؟ او در جواب گفت: «آنان (امامان علیهم السلام) بهتر از همه می دانند که چه کسی لایق این مقام است. من آدمی هستم که با دشمنان رفت و آمد دارم و با آنان مناظره

ص: ۴۲

۱- ۷۳. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، دکتر جاسم حسین، ص ۱۴۹.

۲- ۷۴. الغیبه طوسی، ص ۲۳۷.

می‌کنم. اگر آنچه را که ابوالقاسم حسین بن روح درباره امام مهدی علیه السلام می‌داند من می‌دانستم، شاید در بحث‌هایم با دشمنان، آن‌گاه که جدال و لجاجت آنان را می‌دیدم، می‌کوشیدم تا دلایل بنیادی را بر وجود امام ارائه دهم و در نتیجه محل اقامت او را برملا می‌ساختم. اما اگر ابوالقاسم حسین بن روح، امام را زیر عبای خود پنهان داشته باشد، و بدنش را با قیچی قطعه قطعه کنند تا امام مهدی علیه السلام را نشان دهد، هرگز عبای خود را کنار نمی‌زند و امام را نشان نمی‌دهد» (۱).

۳ - نسبت به دیگران فهمیده تر بودن

شیخ طوسی در کتاب «الغیبه» به فهم و درایت آنان اشاره کرده است (۲).

۴ - حساس نبودن حکومت نسبت به آنان

امام مهدی علیه السلام در انتخاب نمایان خاص خود از افرادی استفاده می‌کرد که در دستگاه ظالمان عباسی نسبت به آن‌ها حساسیتی نباشد، چون نیابت خاص، کاری بود بسیار مخفی و مبهم و مهم؛ و لذا هر یک از آنان دارای شغل بوده، کاسبی می‌کرده اند تا شناخته نشوند.

عوامل ادعای دروغین سفارت

هنوز مدتی از عهد سفارت ناحیه مقدسه نگذشته بود که این دستگاه مقدس مبتلا به مصیبت مدعیان دروغین سفارت گشت. آنان از این ادعای

ص: ۴۳

۱- ۷۵. الغیبه طوسی، ص ۲۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵۹.

۲- ۷۶. همان، ص ۲۳۶.

دروغین خود اهدافی را دنبال می نمودند که عبارت بود از:

۱ - از آنجا که ایمان ضعیفی داشتند با این ادعا در صدد انحراف مردم و جامعه شیعی بودند.

۲ - طمع به دست آوردن اموال مردم و حقوق شرعی، زیرا از آنجا که امام زمان علیه السلام در غیبت به سر می بردند اینها می توانستند در اموال تصرف نمایند.

۳ - گسترش موقعیت خود در جامعه، زیرا با این ادعا و انتساب خود به امام مهدی علیه السلام در صدد گسترش شهرت خود برمی آمدند.

مدعیان دروغین سفارت

شروع تزویر در امر سفارت به عصر سفیر دوّم محمّد بن عثمان عمّری باز می گردد؛ زیرا پدر او عثمان بن سعید به قدری معروف بود که هیچ کس جرأت معارضه با او را نداشت.

اول کسی که ادعای سفارت دروغین نمود ابو محمد شریعی بود. (۱) و بعد از او محمد بن نصیر نمیری (۲) و احمد بن هلال کرخی (۳) و ابوطاهر محمد بن علی بن بلال بلالی (۴) و ابوبکر محمد بن احمد بن عثمان بغدادی و اسحاق احمر (۵) و مردی معروف به باقطنی. (۶)

برخی از آنان در ابتدا از مردان صالح بودند ولی به جهات مختلف راه

ص: ۴۴

۱- ۷۷. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۶۷.

۲- ۷۸. همان، ص ۳۶۷.

۳- ۷۹. همان، ص ۳۶۸.

۴- ۸۰. همان، ص ۳۶۹.

۵- ۸۱. همان، ص ۳۰۱.

۶- ۸۲. همان.

انحراف را پیشه نمودند. سفیر دوم با تمام قدرت به مقابله با آن‌ها پرداخت، و نیز از ناحیه مقدسه توقیعات و بیانات شدید در لعن و تبری از آنان صادر شد که دلالت بر دروغگویی و سوء باطن آنان داشت.

در زمان سفارت حسین بن روح - سفیر سوم - مصیبت در این زمینه بیشتر شد، زیرا شخصی به نام محمد بن علی شلمغانی غزافری ادعای سفارت نمود و بیشترین تأثیر را در انحراف جامعه به جای گذاشت. (۱) او گرچه در ابتدای امر، مردی مؤمن به نظر می‌رسید و وکیل حسین بن روح بود، ولی عاقبت به انحراف کشیده شد. آخرین کسی که ادعای دروغین سفارت داشت ابودلف کاتب بود که بر این ادعای خود تا بعد از وفات سمری - سفیر چهارم - باقی بود.

وکالت ناحیه مقدسه

از تاریخ به دست می‌آید که امام زمان علیه السلام به جز چهار سفیر معروف، وکلایی نیز داشته است که در اطراف ممالک و شهرهای اسلامی مشغول به انجام وظیفه بوده‌اند. ولی بین سفیران و وکیلان دو فرق اساسی وجود داشته است:

۱ - سفیر با امام زمان علیه السلام به طور مستقیم مواجهه داشته و او را به طور شخصی می‌شناخته است، در حالی که وکلا این چنین نبوده‌اند، و ارتباطشان با حضرت از طریق سفیران انجام می‌گرفت.

۲ - مسئولیت سفیر، عمومی بود و شامل تمام شیعیان می‌شد، ولی مسئولیت وکیل در محدوده منطقه خودش بود.

ص: ۴۵

کار وکیل، سهام شدن در تسهیل کارهای گسترده ای بوده که بر عهده سفیر قرار گرفته بود. خصوصاً با در نظر گرفتن این مطلب که قرار بر سرّی بودن و کتمان کردن امور شیعیان در ارتباط با حضرت بود.

و نیز عملکرد آن ها در مخفی نمودن سفیر و کتمان اسم و شخص او تأثیر بسزایی داشته است.

وظایف سازمان وکالت

با بررسی شواهد تاریخی چنین به دست می آید که سازمان وکالت از آغاز تا پایان فعالیت آن، کارکردهای گوناگونی را دارا بوده است که از آن جمله عبارت است از:

۱ - دریافت، تحویل و توزیع وجوه شرعی.

۲ - رسیدگی به اوقاف.

۳ - راهنمایی و ارشاد شیعیان و مناظره با مخالفان.

۴ - ایفای نقش سیاسی سازمان وکالت.

۵ - ایفای نقش ارتباطی سازمان وکالت.

۶ - کمک به نیازمندان و حلّ مشکلات شیعیان.

ص: ۴۶

توقيع در لسان روايات، مطابق با مفهومی است که عرف آن را به کار گرفته است، و آن عبارت است از کلمات کوتاه که بزرگان، ذیل نامه های رسیده و عریضه ها مکتوب می داشتند، و با آن خواسته سائل را برآورده می نمودند. در نتیجه توقیعات حضرت مهدی علیه السلام همان مطالبی بود که حضرت به خط مبارک خود در جواب سؤال ها و عریضه ها ذیل نامه ها مرقوم می داشتند و توسط یکی از سفرا به صاحبان نامه ها باز می گرداندند.

اگرچه به لحاظ معنای اصطلاحی، «توقيع» در معنا و مفهوم آن سؤال از مسأله ای نهفته است ولی در برخی موارد بر بیانات حضرت که به صورت ابتدایی صادر می شد - اگرچه از آن سؤال نشده بود - نیز توقيع اطلاق شده است.

نقش سفیر در توقیعات

اگرچه در صدور توقیعات حضرت مهدی علیه السلام جایگاه حضرت از اهمیت ویژه ای برخوردار است، زیرا اوست که ذیل نامه را به خط مبارکش تزئین کرده است، ولی نمی توان نقش سفیر را در پدید آمدن آن نادیده گرفت. این سفیر است که نامه را از سائل گرفته و به دست امام رسانده و در مدت اندک یا

طولانی جواب آن را به سائل رسانده است، بلکه به تعبیری، سفیر واسطه در ایجاد توقیع نیز بوده است، زیرا اگر امام چنین سفیر امینی نمی داشت هرگز نامه رسیده را توقیع نمی فرمود.

مدت زمان صدور توقیع

از برخی روایات استفاده می شود که مدت زمان خروج توقیع در جواب سؤال معینی دو یا سه روز بوده است، همان گونه که راوی در برخی روایات می گوید: بعد از چند روز صاحب من گفت که به سوی ابوجعفر بازگردم تا از جواب سؤال ها بپرسم. (۱) در روایتی دیگر آمده است: آن گاه سفیر بعد از سه روز، مرا از جواب حضرت خبر داد. (۲)

در برخی موارد نیز جواب، شفاهی بوده است که سفیر از حضرت می گرفته و برای سائل می آورده است. مثل این که حسین بن روح نوبختی به عده ای می گوید: «شما امر شدید که به حائر روید». (۳)

و در برخی از موارد نیز جواب سؤال کننده به جهت مصالحی داده نمی شد. از باب نمونه در موردی سائل از امام خواست که برای او دعا کند که خدا به او فرزندی دهد، ولی به جهت مصالحی جواب نیامد. (۴)

و گاه کسی سؤالی را برای حضرت فرستاد که جواب نیامد، و بعد از چند

ص: ۴۹

۱- ۸۴. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۲۱، ح ۴۲.

۲- ۸۵. الغیبه طوسی، ص ۳۲۰.

۳- ۸۶. همان، ص ۳۰۹.

۴- ۸۷. همان، ص ۳۲۰.

روزی مشاهده شد که جزء قرامطه درآمده است. (۱) گرچه در برخی از موارد نیز جواب سؤال ها ظرف چند ساعت داده شده است. (۲) و در برخی دیگر از روایات می خوانیم که جواب آمد در حالی که هنوز مرکب بر روی کاغذ خشک نشده بود (۳) و نیز در برخی روایات می خوانیم که به مجرد خطور سؤال در ذهن شخص جواب بر روی کاغذ مکتوب بوده است، (۴) ولی این موارد زیاد نبوده است.

خط حضرت مهدی علیه السلام در توقیعات

از مجموعه روایات استفاده می شود که برخی توقیعات به خط خود حضرت بوده، و برخی نیز به خط سفرای با دستور امام علیه السلام بوده است.

اسحاق بن یعقوب می گوید: «توسط محمد بن عثمان عمری مسائل مشکلی را به ناحیه مقدسه فرستادم و جوابش را به دست خط مبارک امام زمان علیه السلام دریافت داشتم». (۵)

محمد بن عثمان عمری می گوید: «از ناحیه مقدسه توقیعی صادر شد که خطش را خوب می شناختم». (۶)

شیخ صدوق رحمه الله می فرماید: «توقیعی که به خط امام زمان علیه السلام برای پدرم صادر شد اکنون نزد من موجود است». (۷)

ص: ۵۰

۱- ۸۸. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۵۹.

۲- ۸۹. الغیبه، طوسی، ص ۳۱۶.

۳- ۹۰. همان، ص ۴۱۰.

۴- ۹۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۳.

۵- ۹۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۹.

۶- ۹۳. همان، ص ۳۳.

۷- ۹۴. انوار النعمانیه، ج ۳، ص ۲۴.

شیخ ابو عمرو عامری می گوید: «ابن ابی غانم قزوینی با جماعتی از شیعیان در موضوعی اختلاف و مشاجره نمودند و برای رفع نزاع، نامه ای به ناحیه مقدسه نوشته و جریان را به عرض رساندند. پس جواب نامه آنان به خط مبارک امام علیه السلام صادر شد».^(۱)

از این روایات معلوم می شود که توقیعات، قرائن و شواهد صدق به همراه داشته و یا اصحاب حضرت، دست خط او را می شناختند، و لذا مورد قبول آنان قرار می گرفته است. لیکن در مقابل، روایاتی وجود دارد که برخی توقیعات به خط حضرت نبوده بلکه به خط سفیران و به امر حضرت نوشته شده است.

ابو نصر هبه الله می گوید: توقیعات صاحب الامر علیه السلام به همان خطی که در زمان امام حسن عسکری علیه السلام صادر می شد به وسیله عثمان بن سعید و محمد بن عثمان برای شیعیان صادر می گشت.^(۲)

فهرست برخی توقیعات

حدود هفتاد توقیع یا بیشتر در مصادر مهدویت موجود است که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ - توقیع به علی بن محمد سَمَری.^(۳)

۲ - توقیع به ابی جعفر عَمَری در سوگ پدرش.^(۴)

ص: ۵۱

۱- ۹۵. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸.

۲- ۹۶. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۶.

۳- ۹۷. کمال الدین، ص ۵۱۶.

۴- ۹۸. همان، ص ۵۱۰.

- ۳ - توقیع به سعد بن عبدالله قمی. (۱)
- ۴ - توقیع به اسحاق بن یعقوب. (۲)
- ۵ - توقیع به محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری در جواب مسائلش. (۳)
- ۶ - توقیع دیگری به حمیری درباره زیارت حضرت. (۴)
- ۷ - توقیع به احمد بن خضر بن ابی صالح خجندی. (۵)
- ۸ - توقیع به حسن بن فضل یمانی. (۶)
- ۹ - توقیع به ابو عمرو و فرزندش ابو جعفر محمد. (۷)
- ۱۰ - توقیع به محمد بن ابراهیم مهزیاری. (۸)
- ۱۱ - توقیع در ردّ جعفر کذاب. (۹)
- ۱۲ - توقیع به احمد بن حسن مادرایی. (۱۰)
- ۱۳ - توقیع درباره قصه احمد بن ابی روح. (۱۱)
- ۱۴ - توقیع به حاجز و شا. (۱۲)
- ۱۵ - توقیع به محمد بن جعفر. (۱۳)
- ۱۶ - توقیع به محمد بن صالح بعد از مرگ عبرتایی. (۱۴)

ص: ۵۲

-
- ۱- ۹۹. همان، ص ۴۵۹ - ۴۶۳.
- ۲- ۱۰۰. همان، ص ۴۸۳.
- ۳- ۱۰۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۵۱ - ۱۷۰.
- ۴- ۱۰۲. همان، ج ۹۹، ص ۸۱ ح ۱.
- ۵- ۱۰۳. کمال الدین، ص ۵۰۹.
- ۶- ۱۰۴. کافی، ج ۱، ص ۵۲۰.
- ۷- ۱۰۵. کمال الدین، ص ۵۱۰.

- ٨-١٠٦. همان، ص ٤٨٦.
- ٩-١٠٧. الغيبة طوسي، ص ٢٨٧.
- ١٠-١٠٨. بحار الأنوار، ج ٥١، ص ٣٠٣، ح ١٩.
- ١١-١٠٩. همان، ج ٥١، ص ٢٩٥.
- ١٢-١١٠. كمال الدين، ص ٤٩٣.
- ١٣-١١١. كافي، ج ١، ص ٥٢٤.
- ١٤-١١٢. بحار الأنوار، ج ٥١، ص ٣٢٨.

- ۱۷ - توقیع در جواب نامه سَمَری. (۱)
- ۱۸ - توقیع در جواب سؤال مردی از اهل فانیم. (۲)
- ۱۹ - توقیع در جواب نامه محمّد بن حسن مروزی. (۳)
- ۲۰ - توقیع در جواب نامه محمّد بن یوسف. (۴)
- ۲۱ - توقیع در جواب سؤال های محمّد بن جعفر اسدی. (۵)
- ۲۲ - توقیع در ردّ غُلات به محمّد بن علی بن هلال کرخی. (۶)
- ۲۳ - توقیع به محمّد بن شاذان. (۷)
- ۲۴ - توقیع برای احمد بن حسن خازن. (۸)
- ۲۵ - توقیع برای علی بن محمّد بن اسحاق اشعری. (۹)
- ۲۶ - توقیع در خبر دادن از ضمیر عبیدالله بن سلیمان. (۱۰)
- ۲۷ - توقیع در جواب نامه ابن ابی غانم قزوینی. (۱۱)
- ۲۸ - توقیع در کیفیت تعلیم نماز. (۱۲)
- ۲۹ - توقیع در جواب آنچه محمّد بن شاذان برای حضرت فرستاد. (۱۳)
- ۳۰ - توقیع در جواب نامه محمّد بن یزداذ. (۱۴)

ص: ۵۳

-
- ۱- ۱۱۳. دلائل الامامه، ص ۲۸۶.
- ۲- ۱۱۴. اثبات الهداه، ج ۳، ص ۶۹۹.
- ۳- ۱۱۵. الغیبه، طوسی، ص ۴۱۵.
- ۴- ۱۱۶. کافی، ج ۱، ص ۵۱۹.
- ۵- ۱۱۷. کمال الدین، ص ۵۲۰.
- ۶- ۱۱۸. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۶۶.
- ۷- ۱۱۹. کمال الدین، ص ۵۰۹.

- ٨- ١٢٠. كافي، ج ١، ص ٥٢٣.
- ٩- ١٢١. كمال الدين، ص ٤٩٧.
- ١٠- ١٢٢. كافي، ج ١، ص ٥٢٥.
- ١١- ١٢٣. الغيبة، طوسي، ص ٢٨٥.
- ١٢- ١٢٤. بحار الأنوار، ج ٥٢، ص ٢٠-٢٢.
- ١٣- ١٢٥. جامع الرواه، ج ٢، ص ٦٣.
- ١٤- ١٢٦. كمال الدين، ص ٤٩٣.

- ۳۱ - توقیع در جواب خواست قاسم بن علا. (۱)
- ۳۲ - توقیع در جواب نامه مردی از اهل ربض. (۲)
- ۳۳ - توقیع در جواب سائلی که از قم رسیده بود. (۳)
- ۳۴ - توقیع به حسن بن عبدالحمید. (۴)
- ۳۵ - توقیع در توثیق محمّد بن جعفر عربی. (۵)
- ۳۶ - توقیع در جواب سؤال ابوالحسن خضر بن محمّد. (۶)
- ۳۷ - توقیع اول به شیخ مفید رحمه الله. (۷)
- ۳۸ - توقیع دوم به شیخ مفید رحمه الله. (۸)
- ۳۹ - توقیع در جواب نامه علی بن بابویه. (۹)
- ۴۰ - توقیع در جواب نامه محمّد بن کشر. (۱۰)
- ۴۱ - توقیع در جواب نامه جعفر بن حمدان. (۱۱)
- ۴۲ - توقیع در جواب نامه علی بن زیاد. (۱۲)
- ۴۳ - توقیع به حسن بن قاسم بن علاء. (۱۳)
- ۴۴ - توقیع به ابی القاسم بن ابی حلیس. (۱۴)

ص: ۵۴

-
- ۱- ۱۲۷. کافی، ج ۱، ص ۵۱۹.
- ۲- ۱۲۸. کمال الدین، ص ۴۹۴.
- ۳- ۱۲۹. الغیبه، طوسی، ص ۳۷۳.
- ۴- ۱۳۰. کافی، ج ۱، ص ۵۲۱.
- ۵- ۱۳۱. الغیبه، طوسی، ص ۴۱۵.
- ۶- ۱۳۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۷.
- ۷- ۱۳۳. احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷.

- ٨-١٣٤. همان، ج ٢، ص ٤٩٨.
- ٩-١٣٥. رجال علامه، ص ٩٤.
- ١٠-١٣٦. كمال الدين، ص ٤٩٥.
- ١١-١٣٧. بحار الأنوار، ج ٥٣، ص ١٨٦.
- ١٢-١٣٨. كافي، ج ١، ص ٥٢٤.
- ١٣-١٣٩. الغيبة، طوسي، ص ٣١٥.
- ١٤-١٤٠. كمال الدين، ص ٤٩٣.

۴۵ - توقیع در جواب رقعہ بلخی. (۱).

۴۶ - توقیع بر احمد بن حسن. (۲).

۴۷ - توقیع به محمد بن همام. (۳).

و دیگر توقیعات.

نمونه هایی از توقیعات ناحیه مقدسه

اینک فقراتی از برخی توقیعات صادر شده از ناحیه مقدسه که جنبه کاربردی داشته و برای شیعیان امام زمان علیه السلام در این عصر و زمان نیز پیام دارد را ذکر می کنیم:

۱ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «ما أرغم أنف الشيطان أفضل من الصلاة، فصلِّها وأرغم أنف الشيطان»؛ (۴) «هیچ چیز به مانند نماز، بینی شیطان را به خاک نمی ساید، پس نماز بگذار و بینی ابلیس را به خاک بمال»

این کلام، از پاسخ هایی است که از ناحیه مقدس امام زمان علیه السلام در جواب مسائل ابی الحسین جعفر بن محمد اسدی، صادر شده است.

۲ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «أما وجه الإنتفاع بی فی غیبتی فکالْإنتفاع بالشمس إذا غیبتها عن الأَبصار السحاب»؛ (۵) «اما کیفیت و چگونگی استفاده از

ص: ۵۵

۱- ۱۴۱. همان، ص ۴۸۸.

۲- ۱۴۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۰۳.

۳- ۱۴۳. همان، ج ۵۳، ص ۱۸۴.

۴- ۱۴۴. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۰؛ ح ۴۹؛ فقیه، ج ۱، ص ۴۹۸؛ ح ۱۴۲۷؛ تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۱۷۵، ح ۱۵۵؛ الإستبصار، ج ۱، ص ۲۹۱، ح ۱۰؛ الغیبه، طوسی، ص ۲۹۶؛ ح ۲۵۰؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۹۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ح ۱۸۲، ح ۱۱؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۳۶؛ ح ۵۰۲۳.

۵- ۱۴۵. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵؛ ح ۱۰؛ الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۹۲؛ ح ۲۴۷؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴؛ إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۷۲؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۴۰؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱، ح ۱۰.

من در غیبت ام، همانند استفاده از خورشید است هنگامی که ابرها آن را از دیدگان پنهان نگاه دارد.».

این کلام را امام زمان علیه السلام، در پایان پاسخ به پرسش های اسحاق بن یعقوب آورده است.

۳ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «أما أموالكم فلا نقبلها إلا لتطهروا، فمن شاء فليصل ومن شاء فليقطع، فما آتاني الله خير مما آتاكم»؛^(۱) «اما اموال شما، پس آن ها را نمی پذیریم، مگر به خاطر این که پاک شوید. پس هر که می خواهد، بپردازد، و هر که نمی خواهد، نپردازد. آنچه را که خدا به ما عطا کرده، از آنچه به شما عطا نموده بهتر است.».

این عبارت، بخشی از مطالبی است که امام زمان علیه السلام، در جواب سؤال های اسحاق بن یعقوب، در توقیع مبارک خود مرقوم فرموده اند.

۴ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «أكثرُوا الدعاء بتعجيل الفرج، فإن ذلك فرجكم»؛^(۲) برای شتاب در گشایش حقیقی و کامل، بسیار دعا کنید، زیرا، همانا، فرج شما، در آن است.»

ص: ۵۶

۱- ۱۴۶. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۴، ح ۴؛ الغیبه، طوسی، ص ۲۹۰، ح ۲۴۷؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۳؛ إعلام الوری، ج ۲، ص

۲۷۱؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۳۹؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، ح ۱۰.

۲- ۱۴۷. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵، ح ۴؛ الغیبه، طوسی، ص ۲۹۳، ح ۲۴۷؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴؛ إعلام الوری، ج ۲، ص

۲۷۲؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۴۰؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱، ح ۱۰.

این کلام، از جمله مطالبی است که حضرت علیه السلام، در جواب مسائلی بیان کرده اند که اسحاق بن یعقوب از آن حضرت سؤال نموده اند.

۵ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «أما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواه حديثنا، فإنهم حجتي عليكم وأنا حجة الله عليهم»؛^(۱) «اما در رویدادهای زمانه، به راویان حدیث ما رجوع کنید. آنان، حجت من بر شمایند و من، حجت خدا بر آنان ام.»

این حدیث، از جمله مطالبی است که امام زمان علیه السلام، در جواب مسائل اسحاق بن یعقوب فرموده اند.

۶ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «إني لأمانٌ لأهل الأرض كما أن النجوم أمان لأهل السماء»؛^(۲) «همانا، من، امان و مایه ایمنی برای اهل زمین ام، همان گونه که ستاره ها، سبب ایمنی اهل آسمان اند.»

این کلام، قسمتی از جواب هایی است که امام زمان علیه السلام، در پاسخ به نامه اسحاق بن یعقوب فرموده است.

۷ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «إنا غير مهملين لمراعاتكم، ولا ناسين

ص: ۵۷

۱- ۱۴۸. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۴، ح ۱۰؛ الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۹۱، ح ۲۴۷؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴؛ إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۷۱؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۳۸؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱، ح ۱۰؛ وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۴۰، ح ۳۳۴۲۴.

۲- ۱۴۹. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵، ح ۱۰؛ الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۹۲، ح ۲۴۷؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴؛ إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۷۲؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۴۰؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱، ح ۱۰.

لذکر کم، ولولا ذلك لنزل بكم الأواء واصطلمكم الأعداء»؛^(۱) «ما از رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده ایم که اگر جز این بود دشواری ها و مصیبت ها بر شما فرود می آمد و دشمنان شما را ریشه کن می نمودند».

برای شیخ مفید رحمه الله دو توفیق از سوی حضرت علیه السلام صادر شده است. در توفیق اول، حضرت، به شیعیان خود این بشارت را می دهد که شما، دائماً، تحت نظر و مراعات ما هستید و هرگز فراموش نمی شوید. از این رو از خطر دشمنان در امانید. شیعه به جهت ظلم ستیزی و پیرو حق و حقیقت بودن، دائماً، مورد تعرض حکام جور و معاندان و مخالفان خود بوده است. لذا، به کسی نیاز دارد که در سختی ها و گرفتاری ها، او را یاری کند و از نابودی نجات اش دهد. در این توفیق، حضرت علیه السلام به شیعه، این بشارت را می دهد که با وجود غایب بودن شما را حمایت خواهم کرد و هرگز نخواهم گذاشت، نقشه دشمنان حق و حقیقت، به ثمر نشیند و مذهب شیعه و شیعیان نابود شوند. گره گشایی هایی که حضرت در طول دوران امامت خویش انجام داده است، نمونه هایی رسا برای صحت وعده حضرت است.

۸ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «أنه من اتقى ربه من إخوانك في الدين وأخرج مما عليه إلى مستحقّيه، كان آمناً من الفتنة المبطله، ومحنها المظلمه المظله ومن بخل منهم بما أعاره الله من نعمته على من أمره بصلته،

ص: ۵۸

۱- ۱۵۰. احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳؛ الخرائج و الحرائج، ج ۲، ص ۹۰۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵، ح ۷.

فإنه يكون خاسراً بذلك لأولاه و آخرته»؛^(۱) «همانا، کسی که در رابطه با حقوق برادران دینی تو، حریم الهی را نگه دارد و حقوق مالی که بر گردن دارد، به مستحق اش برساند، از فتنه ای که انسان را به راه باطل می کشاند، و از محنت های تاریکی که سایه بر آن افکنده، ایمن خواهد بود، و کسی که بخل ورزد و از نعمت هایی که ایزد به عاریت، در اختیار او گذاشته، به مستحق اش ندهد، در دنیا و آخرت، زیان کار خواهد بود.»

این کلام، قسمتی از نامه دوم امام زمان علیه السلام، به شیخ مفید رحمه الله است.

۹ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «سجده الشکر من أَلزم السنن وأوجبها...فإن فضل الدعاء والتسبیح بعد الفرائض علی الدعاء بعقیب النوافل، کفضل الفرائض علی النوافل، والسجده دعاء وتسبیح»؛^(۲) «سجده شکر، از لازم ترین و واجب ترین مستحبات الهی است...همانا، فضیلت دعا و تسبیح پس از واجبات، بر دعا بعد از نوافل، همانند فضیلت واجبات بر نوافل است. سجده، دعا و تسبیح است.»

حدیث شریف، قسمتی از پاسخ امام مهدی علیه السلام، به سؤال های محمد بن عبدالله حمیری است.

۱۰ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «من فضله، أن الرجل ینسی التسبیح ویدیر السبحة فیکتب له التسبیح»؛^(۳) «از فضایل تربت حضرت

ص: ۵۹

۱- ۱۵۱. احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷، ح ۸.

۲- ۱۵۲. احتجاج، ج ۲، ص ۳۰۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۶۱، ح ۳؛ وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۸۵۱۴.

۳- ۱۵۳. احتجاج، ج ۲، ص ۳۱۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۶۵، ح ۴.

سیدالشهداء علیه السلام آن است که چنانچه تسبیح تربت حضرت در دست گرفته شود ثواب تسبیح و ذکر را دارد، گرچه دعایی هم خوانده نشود.»

این حدیث از جمله پاسخ هایی است که امام زمان علیه السلام در جواب سؤال های محمد بن عبدالله حمیری بیان فرموده اند.

۱۱ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «فلا يحل لأحد أن يتصرف من مال غيره بغير إذن»؛^(۱) «برای هیچ کس جایز نیست که بدون اذن صاحب مال، در مال اش تصرف کند.»

این کلام، بخشی از جوابی است که حضرت علیه السلام، در پاسخ مسائل اسدی، مرقوم داشته اند .

۱۲ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «وفى إبنه رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لى أسوه حسنه»؛^(۲) «دختر رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم (فاطمه زهرا علیها السلام) برای من، اسوه و الگویی نیکو است.»

شیخ طوسی رحمه الله، در کتاب «الغیبه»، قصه مشاجره ابن ابی غانم قزوینی با جماعتی از شیعه، درباره امر جانشینی امام عسکری علیه السلام را نقل کرده است. ابن ابی غانم، به جانشینی برای حضرت امام عسکری، اعتقادی نداشت. عده ای از شیعیان، به حضرت نامه ای می نویسند و در آن، مشاجره ای را که میان ابن ابی غانم و جماعت شیعه ایجاد شده، یادآور می شوند.

ص: ۶۰

۱- ۱۵۴. کمال الدین، ص ۵۲۱، ح ۴۹؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۹۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۳، ح ۱۱؛ وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۴۰ و ۵۴۱، ح ۱۲۶۷۰.

۲- ۱۵۵. الغیبه طوسی، ص ۲۸۶، ح ۲۴۵؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، ح ۹.

حضرت، در جواب نامه، به خطّ مبارک خود، بعد از دعا برای عافیت شیعیان از ضلالت و فتنه ها، و درخواست روح یقین و عاقبت به خیری آنان، و تذکر به اموری چند، می فرماید: «فاطمه زهرا، دختر رسول خدا، برای من، در این مسئله، الگوی خوبی است.»

۱۳ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «لا عذر لأحد من موالینا فی التشکیک فیما یؤدیه عَنَّا ثقاتنا»^(۱)؛ «در تشکیک نسبت به روایاتی که موثقان از ما برای شما نقل می کنند، احدی از شیعیان ما عذری ندارند.»

این عبارت، قسمتی از توقیعی است که از سوی حضرت به «قاسم بن علا» درباره «احمد بن هلال عبرتایی» و دوری از او صادر شده است.

۱۴ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «لیس بین الله عزوجلّ و بین أحد قرابه، و من أنکرنی فلیس منی، و سبیله سبیل ابن نوح»^(۲)؛ «بین خداوند عزوجلّ و هیچ کس قرابت و خویشاوندی نیست، هر که مرا انکار کند از من نیست، و راه او، راه فرزند نوح است.»

این عبارت، بخشی از جواب های امام زمان علیه السلام، به پرسش های اسحاق بن یعقوب است.

ص: ۶۱

۱- ۱۵۶. رجال کشی، ج ۲، ص ۸۱۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۳۱۸ و ۳۱۹، ح ۱۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۸، ح ۶۱.
۲- ۱۵۷. کمال الدین، ص ۴۸۴، ح ۳؛ الغیبه، طوسی، ص ۲۹۰، ح ۲۴۷؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۳؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۳۹؛ إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۷۰؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، ح ۱۰.

۱۵ - مهدی علیه السلام می فرماید: «لا تتكلفوا علم ما قد كفيتم»؛^(۱) «خود را برای دانستن آنچه که از شما نخواستند به مشقت نیندازید.»

این عبارت، از جمله مطالبی است که امام زمان علیه السلام، در جواب سؤال های اسحاق بن یعقوب تذکر داده اند.

۱۶ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «إن الله تعالى هو الذي خلق الأجسام وقسم الأرزاق، لأنه ليس بجسم ولا حال في جسم، ليس كمثله شيء وهو السميع العليم، وأما الأئمة عليهم السلام فإنهم يشألون الله تعالى فيخلق، ويشألونه فيرزق، إيجاباً لمسألتهم وإعظماً لحقهم»؛^(۲) «تنها خداوند متعال است که اجسام را خلق کرده و روزی ها را تقسیم کرده است؛ زیرا، او، جسم یا حلول کننده در جسم نیست. چیزی، همانند او نیست. او، شنوا و دانا است. اما ائمه علیهم السلام، چیزی را از خدا می خواهند و خدا نیز برای آنان خلق می کند. از خدا می خواهند، خدا هم روزی می دهد. خدا چنین می کند، چون بر خود حتم کرده که خواسته آنان را اجابت و منزلت و شأن آن ها را عظیم گرداند.»

شیخ طوسی رحمه الله در کتاب «الغیبه» نقل می کند: جماعتی از شیعیان، در مقام اهل بیت علیهم السلام، اختلاف کردند. عده ای، قائل بودند که خداوند عزوجل، قدرت خلق و رزق را به امامان معصوم، واگذار کرده است. در مقابل، عده ای بر این عقیده معتقد بودند که این امر، محال است و بر خداوند متعال، جائز نیست که امر خلق و رزق را به ائمه واگذار کند؛ زیرا، تنها، خداوند متعال، قادر بر خلق اجسام است.

ص: ۶۲

-
- ۱- ۱۵۸. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵؛ ح ۱۰؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱، ح ۱۰.
۲- ۱۵۹. الغیبه، طوسی، ص ۲۹۴، ح ۲۴۸؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۵؛ بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۳۲۹، ح ۴.

شخصی که در آن مجلس حاضر بود، گفت: «چرا نزد ابی جعفر محمد بن عثمان عمری (سفیر دوم حضرت) نمی روید و در این باره از او سؤال کنید تا حق بر شما روشن گردد؟ او تنها راه و واسطه به سوی حضرت صاحب الأمر علیه السلام است.» شیعیان، بر این امر راضی شدند و نامه نوشتند و در آن از مسئله مورد نزاع سؤال نمودند. حضرت در جواب نامه مرقوم فرمودند: «خالق، نباید جسم و رازق نباید روزی خورنده باشد. در نتیجه، ما، چون جسم داریم و روزی می خوریم، پس نه خالق هستیم و نه رازق، ولی خداوند، حق ما را بزرگ قرار داده و درخواست ما را اجابت می کند. لذا دعایی که می کنیم، برآورده می شود، نه این که ما، خود، جدای از خواست الهی، توان این را داشته باشیم.»

۱۷ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «فلیعمل کل امرء منکم بما یقرب به من محبتنا، ویتجنب ما یدنیه من کراهتنا وسخطنا»؛ (۱) «پس هر یک از شما باید کاری کند که وی را به محبت و دوستی ما نزدیک سازد، و از آنچه که خوشایند ما نبوده و باعث کراهت و خشم ما است دوری گزیند.»

این عبارت بخشی از نامه ای است که از سوی امام زمان علیه السلام، به شیخ مفید رحمه الله، رسیده است.

۱۸ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «إن الله تعالی لم یخلق الخلق عبثاً، ولا أهملهم سدی، بل خلقهم بقدرته، وجعل لهم أسماً وأبصاراً وقلوباً وألباباً، ثم بعث إليهم النبیین علیهم السلام مبشرین ومنذرین، یأمرونهم بطاعته

ص: ۶۳

وینهنونهم عن معصيته، ويعرفونهم ما جهلوه من أمر خالقهم ودينهم، وأنزل عليهم كتاباً...» (۱) «به راستی، خدای متعال، مردم را بیهوده نیافرید، و بیکاره رها نساخت، بلکه آنان را به قدرت خود آفرید، و به آنان گوش و دیده و دل و عقل داد. سپس پیامبران علیهم السلام را به سوی آنان، بشارت دهنده و بیم دهنده فرستاد تا مردم را به اطاعت خدا امر کنند و از معصیت او باز دارند، و آنچه را که نسبت به او، از امر خالق و دین خود جاهل اند، بیاموزند، برای آنان کتابی نازل کرد...».

این مطالب بخشی از جوابی است که امام زمان علیه السلام در جواب نامه احمد بن اسحاق مرقوم داشتند.

۱۹ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «أحیی بهم دینه، وأتم بهم نوره، وجعل بینهم و بین إخوانهم و بنی عمهم والأدنین فالأدنین من ذوی أرحامهم فرقاناً بیناً يعرف به الحجّه من المحجوج، والإمام من المأموم، بأن عصمهم من الذنوب، وبرأهم من العیوب، وطهرهم من الدنس، ونزههم من اللبس، وجعلهم خزّان علمه، ومستودع حکمته، وموضع سره، وأیدهم بالدلائل، ولولا ذلك لکان الناس علی سواء، ولإدعی أمر الله عزّوجلّ کل أحد، ولما عرف الحق من الباطل، ولا العالم من الجاهل»؛ (۲) «اوصیاء، کسانی هستند که خداوند متعال، دینش را با آنان زنده می کند، و نورش را با آنان، کاملاً می گسترد و سیطره می دهد. خداوند میان آنان و برادران و عموزادگان و دیگر خویشاوندان شان، تفاوت آشکاری گذاشته است که به سبب آن حجّت از غیر

ص: ۶۴

-
- ۱- ۱۶۱. الغیبه، طوسی، ص ۲۸۸، ح ۲۴۶؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۴، ح ۲۱.
- ۲- ۱۶۲. الغیبه طوسی، ص ۲۸۸، ح ۲۴۶؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۴ و ۱۹۵، ح ۲۱.

حجّت، و امام از مأوم، شناخته می شود. آن تفاوت آشکار، این است که آنان را از گناهان محفوظ و مصون داشته، و از عیوب مبرا کرده، و از پلیدی پاک گردانیده، و از اشتباه منزّه شان داشته است. آنان را خزانه داران علم و حکمت و پرده داران سرّ خود قرار داده است. خداوند، آنان را با دلیل ها، تأیید کرده است. اگر این گونه نبود، همه مردم با هم یکسان بودند و هر کس می توانست ادّعی امامت کند که در این حال، حقّ از باطل و عالم از جاهل، تشخیص داده نمی شد».

این کلمات، از جمله مطالبی است که امام زمان علیه السلام، در جواب نامه احمد بن اسحاق مرقوم داشته اند.

۲۰ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «من کانت له إلی الله حاجه فلیغتسل لیله الجمعه بعد نصف اللیل ویأتی مصلاه»؛ (۱) «هر کس که خواسته و حاجتی از پیشگاه خداوند متعال دارد، بعد از نیمه شب جمعه غسل کند و جهت مناجات با خداوند در جایگاه نمازش قرار گیرد».

ابو عبدالله حسین بن محمد می گوید: از ناحیه مقدّسه امام زمان علیه السلام توقیعی صادر شد، در آن نوشته بود: هر کس خواسته ای از خداوند دارد باید شب جمعه بعد از نیمه شب غسل کند آن گاه به جایگاه نمازش آید و دو رکعت نماز بخواند، به «ایاک نعبد وایاک نستعین» که رسید، صد بار آن را تکرار کند، سپس حمد را تمام کرده بعد از آن یک مرتبه سوره توحید بخواند. آن گاه رکوع و سجده بجای آورده و در هر کدام هفت بار تسبیح بگوید. رکعت دوم را نیز همانند رکعت اول بجای آورد. در پایان نماز دعایی را بخواند که کفعمی در ابتدای باب

ص: ۶۵

۳۶ از المصباح آورده است. بعد از دعا به سجده رفته و تضرع نزد خداوند کند، آن گاه حاجت خود را از خداوند بخواهد. هر کس از مرد و زن چنین کند، و دعا را از روی اخلاص بخواند درهای اجابت به روی او باز گشته و حاجت او هر چه باشد برآورده می گردد، مگر آن که آن حاجت قطع رحمی باشد.

۲۱ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «أقدار الله عزوجل لا تغالب وإرادته لا ترد وتوفيقه لا يسبق»؛^(۱) «تقدیرهای خداوند عزوجل مغلوب نمی شود، و اراده اش برگشت ندارد، و بر توفیق او هیچ چیز پیشی نمی گیرد.»

این عبارت، بخشی از کلمات امام زمان علیه السلام است که در توقیعی به دو سفیر خود، عثمان بن سعید و فرزندش محمد بن عثمان فرستاده است.

۲۲ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «أعوذ بالله من العمى بعد الجلاء، ومن الضلالة بعد الهدى، ومن موبات الأعمال ومردیات الفتن»؛^(۲) «از نابینایی پس از بینایی، و از گمراهی پس از هدایت، و از رفتار هلاکت بار، و فتنه های نابود کننده، به خدا پناه می برم.»

این عبارت، بخشی از توقیعی است که امام زمان علیه السلام به نائب نخست و دوم خود، عثمان بن سعید عمری و فرزندش محمد فرستاده است.

۲۳ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «أبى الله عزوجل للحق إلا إتماماً،

ص: ۶۶

۱- ۱۶۴. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۱، ح ۴۲؛ الخرائج والجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۱، ح ۱۹.
۲- ۱۶۵. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۱، ح ۴۲؛ الخرائج والجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۰ و ۱۹۱، ح ۱۹.

وللباطل إلا زهوقاً»؛^(۱) «اراده حتمی خداوند بر این قرار گرفته که - دیر یا زود - پایان حق پیروزی و پایان باطل نابودی باشد.»

این عبارت، قسمتی از جوابی است که حضرت علیه السلام به نامه احمد بن اسحاق اشعری قَمی داده اند.

۲۴ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «قد آذانا جهلاء الشيعة وحمقاؤهم، ومن دینه جناح البعوضه أرجح منه»؛^(۲) «نادانان و کم خردان شیعه و کسانی که پر و بال پشه از دینداری آنان برتر و محکم تر است، ما را آزار می دهند.»

این عبارت، بخشی از توقیعی است که حضرت علیه السلام در جواب نامه محمد بن علی بن هلال کرخی فرستاده است. این توقیع، در ردّ طائفه ای از غالیان است که به شرکت ائمه علیهم السلام با خداوند در علم و قدرت او، معتقدند.

۲۵ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «إجعلوا قصدكم إلینا بالموده علی السنه الواضحه، فقد نصحت لكم، واللّه شاهد علی وعلیکم»؛^(۳) «هدف و قصد خویش را نسبت به محبت و دوستی ما - اهل بیت عصمت و طهارت - بر مبنای عمل به سنت و اجرای احکام الهی قرار دهید، پس همانا که موعظه ها و سفارشات لازم را نمودم، و خداوند متعال نسبت به همه ما و شما گواه است.»

بین ابن ابی غانم قروینی با جماعتی از شیعیان در مورد جانشینی امام حسن عسکری علیه السلام اختلاف شد، ابن ابی غانم معتقد بود که ایشان رحلت نمود

ص: ۶۷

۱- ۱۶۶. الغیبه، طوسی، ص ۲۸۷، ح ۲۴۶؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۳، ح ۲۱.

۲- ۱۶۷. احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۹؛ بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۶۷، ح ۹.

۳- ۱۶۸. الغیبه، طوسی، ص ۲۸۶، ح ۲۴۵؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۹، ح ۹.

در حالی که کسی را به عنوان جانشین خود معرفی نکرد، ولی جماعت شیعیان با او به مخالفت پرداخته و معتقد به تعیین جانشین برای امام حسن عسکری علیه السلام بودند، لذا نامه ای به امام زمان علیه السلام نوشته و این موضوع را برای حضرت بازگو می کنند. حضرت علیه السلام در جواب نامه به خط خود مطالبی مرقوم داشتند که از آن جمله حدیث فوق است.

حضرت در آن نامه ابتدا امر به تقوا و پرهیزکاری می کند و سپس می فرماید: تسلیم ما باشید و هر چه را نمی دانید به ما باز گردانید، بر ما است که حقیقت را بیان کنیم ... به راست و چپ منحرف نشوید، و محبت و دوستی خود را نسبت به ما با اطاعت از دستورات ما که همان شریعت محمدی است ثابت کرده و عملی سازید..

۲۵ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «علمنا علی ثلاثه أوجه: ماض و غابر و حادث، أما الماضی فتنفسیر، و أما الغابر فموقوف، و أما الحادث فقذف فی القلوب، و نقر فی الأسماع، و هو أفضل علمنا، و لا نبی بعد نبینا»؛ (۱) «علم ما اهل بیت علیهم السلام بر سه نوع است: علم به گذشته و آینده و حادث. علم گذشته تفسیر است. علم آینده، موقوف است. علم حادث، انداختن در قلوب، و زمزمه در گوش ها است. این بخش، بهترین علم ما است. بعد از پیامبر ما، رسول دیگری نخواهد بود.»

این عبارت، بخشی از جواب امام زمان علیه السلام به سؤال علی بن محمد سمری درباره علم امام است.

ص: ۶۸

۲۶ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «وَأَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنْ أَمْرِ الْوَقْفِ عَلَيَّ نَاحِيَتَنَا وَمَا يَجْعَلُ لَنَا ثُمَّ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ صَاحِبُهُ، فَكُلُّ مَا لَمْ يَسْلَمْ فَصَاحِبُهُ فِيهِ بِالْخِيَارِ، وَكُلُّ مَا سَلَّمَ فَلَا خِيَارَ فِيهِ لَصَاحِبِهِ، إِحْتِاجُ إِلَيْهِ صَاحِبُهُ أَوْ لَمْ يَحْتَاجْ»؛ (۱) «از ما درباره این که فردی چیزی را برای ما وقف کرده؛ ولی خودش به آن محتاج شده، پرسیده ای. حکم این چنین فردی، این است که در آن چه برای ما وقف کرده، ولی تسلیم ما نکرده، مختار است و می تواند وقف را به هم بزند، ولی آن چه را به جهت تسلیم وقف اش مسلم شده، دیگر نمی تواند آن را برگرداند، خواه به آن احتیاج داشته باشد یا نداشته باشد.»

این عبارت، قسمتی از توقیعی است که امام زمان علیه السلام در جواب سؤال های ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی مرقوم داشته اند.

۲۷ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَفَقَهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتَهُ - عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمَنُ بِلِقَائِنَا، وَلَتَعْجَلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمَشَاهِدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصَدَقْهَا مِنْهُمْ بِنَا، فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ»؛ (۲) «اگر چنانچه شیعیان ما - که خداوند توفیق طاعتشان دهد - در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند همدل می شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد، و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می گشت، دیداری بر مبنای شناختی راستین، و صداقتی از آنان نسبت به ما، علت مخفی شدن ما از آنان چیزی نیست جز آنچه از کردار آنان که به ما می رسد و ما توقع انجام این کارها را از آنان نداریم.»

ص: ۶۹

۱- ۱۷۰. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۰، ح ۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۲، ح ۱۱.

۲- ۱۷۱. احتجاج، ج ۲، ص ۳۱۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷، ح ۸.

این جملات، قسمتی از نامه ای است که از ناحیه مقدّس امام زمان علیه السلام برای شیخ مفید رحمه الله فرستاده شده است.

۲۸ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «أن الأرض لا تخلو من حجه إما ظاهراً وإما مغموراً»؛^(۱) «زمین، هیچ گاه، از حجّت خالی نخواهد بود، حال، آن حجّت، یا ظاهر است و یا پنهان».

این کلام، قسمتی از توقیعی است که امام زمان علیه السلام به عثمان بن سعید عمری و فرزندش محمد مرقوم داشته اند.

۲۹ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «والعاقبه بجميل صنع الله سبحانه تكون حميده لهم ما اجتنبوا المنهي عنه من الذنوب»؛^(۲) «با دخالت و ساخت نیکوی خداوند، فرجام کار، مادامی که شیعیان از گناهان دوری گزینند، پسندیده و نیکو خواهد بود».

این حدیث، بخشی از نامه ای است که امام زمان علیه السلام برای شیخ مفید رحمه الله مرقوم داشته اند.

۳۰ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «أو ما رأيتم كيف جعل الله لكم معاقل تأوون إليها، وأعلاماً تهتدون بها من لدن آدم عليه السلام»؛^(۳) «آیا ندیدید که چه گونه خداوند برای شما، ملجأهایی قرار داد که به آنان پناه برید، و علم هایی قرار داد تا با آنان هدایت شوید. (و این لطف حضرت حق) از زمان حضرت آدم علیه السلام تا کنون بوده است».

ص: ۷۰

۱- ۱۷۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۱، ح ۴۲؛ الخرائج والجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۰، ح ۲۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۱، ح ۱۹.

۲- ۱۷۳. احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷، ح ۸.

۳- ۱۷۴. الغیبه شیخ طوسی، ص ۲۸۶، ح ۲۴۵؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۹، ح ۹.

این عبارت، قستی از توقیعی است که از ناحیه حضرت، به جهت اختلاف میان ابن ابی غانم قزوینی و جماعتی از شیعیان صادر شده است. ابن ابی غانم معتقد بود که برای امام حسن عسکری علیه السلام جانشینی نیست و امامت به ایشان ختم شده است. گروهی از شیعیان، به حضرت مهدی علیه السلام نامه می نویسند و داستان را بازگو می کنند. از ناحیه حضرت نامه ای صادر می شود که حدیث فوق بخشی از آن است.

۳۱ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «ملعون ملعون من آخر الغداه إلى أن تنقضی النجوم»؛^(۱) «ملعون و نفرین شده است آن کسی که نماز صبح را عمداً تأخیر بیندازد تا موقعی که ستارگان ناپدید شوند»

این حدیث قسمتی از توقیعی است که در جواب سؤال محمد بن یعقوب از ناحیه مقدسه رسیده است.

ص: ۷۱

۱- ۱۷۵. الغیبه، طوسی، ص ۲۷۱، ح ۲۳۶؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۹۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۶، ح ۱۲؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۰۱، ح ۴۹۱۹.

سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت

- ۱ - تولد حضرت مهدی علیه السلام
- ۲ - امامت در سنین کودکی
- ۳ - امامت و غیبت
- ۴ - غیبت صغری و سفیران ناحیه مقدسه
- ۵ - غیبت کبری
- ۶ - وظایف ما در عصر غیبت
- ۷ - اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام
- ۸ - بررسی دعای ندبه
- ۹ - دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر
- ۱۰ - دفاع از مهدویت
- ۱۱ - فلسفه حکومت عدل جهانی
- ۱۲ - نظریه پردازی درباره آینده جهان
- ۱۳ - منجی از دیدگاه ادیان
- ۱۴ - وجود امام مهدی علیه السلام از منظر قرآن و حدیث
- ۱۵ - وجود امام مهدی علیه السلام در پرتو عقل
- ۱۶ - مهدویت و جهانی سازی
- ۱۷ - قرآن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۸ - علایم ظهور
- ۱۹ - هنگامه ظهور

۲۰ - حکومت حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور

ص: ۷۲

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

